



امامت

عسیت

ظہور



امامت

غنیت

ظہور

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

(ویرایش جدید)

امامت، غیبت، ظهور / واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران. - قم: مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران). ۱۳۸۲

۱۰۴ ص. ISBN 964-8484-00-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان روی جلد: غیبت، ظهور، امامت.

چاپ قبلی: مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران)، ۱۳۷۵ (۱۳۶ ص).

چاپ دوم.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - احادیث. ۲. مهدویت -

انتظار. الف. مسجد جمکران. ب. عنوان: امامت، غیبت، ظهور.

۲۹۷ / ۹۵۹

BP۵۱ / الف ۷۵

۲۸۹۵۰ - ۸۲ م

۱۳۸۲ - کتابخانه ملی ایران



انتشارات مسجد جمکران

■ نام کتاب:	امامت، غیبت، ظهور (ویرایش جدید)
■ تألیف:	واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران
■ ناشر:	انتشارات مسجد مقدس جمکران
■ تاریخ نشر:	زمستان ۱۳۸۲
■ نوبت چاپ:	دوم
■ چاپ:	اسوه
■ تیراژ:	۵۰۰۰ جلد
■ قیمت:	۵۰۰ تومان
■ شابک:	۷ - ۰۰ - ۸۴۸۴ - ۹۶۴

■ مرکز پخش:	انتشارات مسجد مقدس جمکران
■ تلفن و نمابر:	فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۲۵۱۰۰
■ قم - صندوق پستی:	۶۱۷

حق چاپ مخصوص ناشر است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا

وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ

أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

## فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
<b>بخش اول: امامت</b>	
۱۱	<b>شناخت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small></b>
۱۱	□ ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۳	□ راه شناخت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۴	□ حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و قرآن
۱۷	□ حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در قرآن
۲۰	□ حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در احادیث قدسی
۲۲	□ حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در آینه کلام معصومین <small>علیهم السلام</small>
۲۸	<b>ویژگیهای حضرت مهدی <small>علیه السلام</small></b>
۲۸	□ اسامی و اوصاف و القاب حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۲	□ برخی ویژگیهای ظاهری
<b>بخش دوم: غیبت</b>	
۳۷	<b>غیبت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small></b>
۳۷	□ پیشینه غیبت
۳۸	□ مروری گذرا بر غیبت صغری
۴۱	□ چگونگی غیبت
۴۷	□ چرایی غیبت
۵۵	□ غیبت پیامبران پیشین
۶۱	□ کیفیت بهره‌وری از امام غائب
۶۴	□ وظیفه شیعیان در دوران غیبت
۷۱	<b>سنت انتظار</b>
۷۳	<b>ولایت فقیه</b>

## بخش سوم: ظهور

- ظهور حضرت مهدی علیه السلام ..... ۸۱
- مقدمات ظهور ..... ۸۱
- نگاهی به دوران پس از ظهور ..... ۸۳
- پرتوی از فرمایشات نورانی قائم آل محمد علیه السلام ..... ۹۲
- معرفی خویشتن ..... ۹۲
- نقش خویش در حفظ و هدایت مردم ..... ۹۳
- وظیفه شیعیان ..... ۹۵
- شرط یاری ..... ۹۶
- درباره ظهور ..... ۹۸
- درباره اهل بیت علیهم السلام ..... ۹۹



## پیشگفتار

سخن از «مهدی علیه السلام» سخن از «هدایت» است.  
سخن از «غیبت» حدیث «جستجو» است.  
سخن از «انتظار» روایت «حرکت و پویایی» است.  
سخن از «ظهور» بحث از «اشتیاق رهایی» است.  
«شوق رهایی» «حرکت» می آفریند، و نتیجه «جستجو» حصول «هدایت» است.  
«شیعه بودن» با جمود و سکون سازگار نیست. «شیعه» یعنی «پیرو» و لازمه  
«پیروی» جهت گیری «رفتار و روش» و شکل گیری «سلوک و عمل» است.  
«شیعه مهدی علیه السلام» بودن، با گمراهی و بی تفاوتی در برابر انحرافات نمی سازد.  
و «انتظار ظهور» داشتن، با ماندن در تاریکی ها و تسلیم در برابر وضع موجود  
قابل جمع نیست.

در آستانه سالگرد میلاد پرشکوه امام زمان علیه السلام، با یاد امام راحل رحمته الله که با نور  
وجودش، راه انتظار را روشن تر ساخت و با یاد شهیدان که با نثار خونشان، نزدیکی  
طلوع خورشید را نوید دادند، و با امید گسترش روشنای سپیده دم انقلاب اسلامی به  
همه آفاق گیتی با هدایت مقام معظم رهبری - دام ظلّه العالی -، حاصل تلاشی  
مختصر پیرامون «امامت، غیبت، ظهور» را به شما منتظران حضرت مهدی علیه السلام  
تقدیم می داریم.

آرزومندیم در تقارن سالگرد میلاد مصلح بزرگ تاریخ بشریت، حضرت مهدی  
-عجل الله تعالی فرجه الشریف- و یاور عالی مقامش حضرت عیسی مسیح علیه السلام که یادآور  
حماسه پرشکوه ظهور متقارن آن دو بزرگوار می باشد، و اقتدای شکوهمند و پرمعنای  
آن پیامبر اولوالعزم علیه السلام، به ولی الله الأعظم، آخرین ذخیره الهی و کامل ترین عبد  
صالح خدا در زمین راه فرا یاد منتظران سوخته جانش می آورد، این هدیه ناچیز  
مقبول درگاه حضرت احدیت واقع گردد.

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النَّيِّ وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ  
وَأَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَالِاسْتِقَامَةِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

واحد تحقیقات

مسجد مقدس جمکران

پانزدهم شعبان ۱۴۱۷





بخش اول  
**امامت**

## شناخت حضرت مهدی علیه السلام

### □ ولادت حضرت مهدی علیه السلام

آسمان و زمین چشم انتظار ولادت او بود. خورشید هم به انتظار آمدن او نشست. ارواح پاک همه پیامبران و اولیای الهی، گرداگرد خانه امام حسن عسکری علیه السلام منتظرانه در آرزوی دمیدن نور جمال او بسر می بردند. فجر نیمه شعبان بود. صدای آشنای اذان در کوچه پس کوچه های غریب شهر سامرا می پیچید: «أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن محمداً رسول الله».

سیصد و هشت سال پیش که خورشید وجود پیامبر صلی الله علیه و آله در آسمان مکه طلوع کرد، ظلمات شرک همه جا را آکنده بود و صدای هلهله بت پرستان بر گرد الهه های تراشیده از چوب و سنگ، فضا را آلوده ساخته بود.

اما اینک در سال ۲۵۵ هجری قمری در آستانه طلوع آخرین خورشید هدایت و رهبری، بانگ توحیدی «لا إله إلا الله» از مرزهای شبه جزیره عرب تا شام و قسمت های وسیعی از قاره آفریقا همه جا طنین انداز شده و شهادت به رسالت محمد صلی الله علیه و آله بر مآذنه های سرتاسر سرزمین وسیع اسلامی هر صبح و شام تکرار می شود. با این همه، جاهلیت - اگرچه در چهره های جدید - هنوز پابرجاست و با محصور ماندن اهل بیت علیهم السلام، ظلمت شرک همچنان باقی است و بت های کاخ نشین در لباس خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله همچنان دست اندر کار منحو توحیدند.

شاید از این روست که حضرت مهدی علیه السلام در آغاز ولادت، زبان به ذکر شهادتین می‌گشاید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ

اللَّهِ؛ گواهی می‌دهم که هیچ معبودی جز پروردگار متعال نیست که

شریک ندارد و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست».

یابنه روایتی دیگر؛ در همان آغازین لحظه‌های تولد زانو می‌زند و می‌گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، زَعَمَتِ الظُّلْمَةُ

أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ دَاحِضَةٌ، لَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ أَزَالَ الشَّكُّ؛<sup>۲</sup>

سپاس خدای را که پروردگار عالمیان است، و سلام و صلوات خدا

بر محمد و خاندانش باد. ستمگران گمان بردند که حجّت خدا نابود

شدنی است! در حالی که اگر به ما اجازه سخن گفتن داده می‌شد،

شک و تردید مردم درباره ما از بین می‌رفت».

امام حسن عسکری علیه السلام که اینک با دیدن چهره زیبای اولین و آخرین فرزند

خویش، وعده خدا را عملی می‌یافت، سرشار از شادی، سر به سجده

گذاشت و گفت:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْهُ

بَعْدِي؛<sup>۳</sup> سپاس خدایی را که مرا زنده نگه داشت تا فرزند و

جانشین مرا به من بنمایاند».

سپس سر برداشت و به حاضران نگریست و فرمود:

۱- منتخب الأثر: ص ۳۳۲.

۲- همان: ص ۳۴۱؛ کمال الدین: ج ۳، باب ۴۲، ص ۴۳۰.

۳- بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۱۶۱.



«أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ خَلْقًا وَخُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي غَيْبِهِ ثُمَّ يَظْهَرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»<sup>۱</sup>  
او در صورت و سیرت، شبیه‌ترین مردم به رسول خدا ﷺ است،  
خدا او را در دوران غیبتش محفوظ می‌دارد و سپس ظاهر می‌گرداند  
تا زمین را آن‌چنان که از جور و ستم پر شده باشد، از عدالت و داد  
آکنده سازد».

اشک شوق چشمان حضرت نرجس علیها السلام را پر کرده بود، آن قدر شاد  
بود که آرامش بستر تاب نمی‌آورد. برخاست و نشست و به صورت نورانی  
و چشمهای درشت فرزندش خیره شد. حضرت مهدی علیه السلام که در آغوش  
حکیمه خاتون قرار داشت، دست‌هایش را به طرف مادر دراز کرد و  
لحظه‌ای بعد در آغوش گرم او جای گرفت.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «او چنان که جدمان رسول خدا صلی الله علیه و آله  
فرمود، همنام و هم‌کنیه ایشان خواهد بود، پس نامش محمد و کنیه‌اش  
ابوالقاسم است».

صدای دل‌نواز «صلوات» در فضای خانه کوچک امام حسن  
عسکری علیه السلام پیچیده بود و همه اهل خانه به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌اندیشیدند  
که ای کاش او هم بود ... که البته بود.

\*\*\*

### □ راه شناخت حضرت مهدی علیه السلام

برای شناخت حضرت مهدی علیه السلام و ویژگی‌های شخصی و کیفیت غیبت  
و ظهور او هیچ وسیله‌ای بهتر از آیات شریفه قرآن کریم و روایات

معصومین علیهم السلام نیست. با اینکه در این زمینه و با استناد به همین آیات و روایات، بیش از هزار کتاب و رساله نوشته شده است، باز هم به طور یقین می توان گفت که در تمامی آنها، جز بخش کوچکی از معارف مربوط به آخرین ذخیره الهی تبیین نشده است؛ زیرا ابعاد وجودی او را - هم چنان که درباره امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند - کسی جز خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به تمام و کمال نشناسد، و باز کلام خدا و پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را هر کسی به درستی فهم نتواند کرد.

علاوه بر این، خاصیت دوران غیبت است که نمی توان مطمئن بود که همه فرمایشات آنان به ما رسیده باشد. با این همه، آنچه در پی می آید، تنها مروری بر پاره ای عناوین و ذکر نمونه هایی در هر باب است، بسان برگرفتن قطره هایی از دریای بیکران، که گفته اند:

آب دریا را اگر نتوان کشید      هم به قدر تشنگی باید چشید

\*\*\*

## □ حضرت مهدی علیه السلام و قرآن

### الف) همپای قرآن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارش مشهور خویش فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ

تَضِلُّوا أَبَدًا؛ من در بین شما دو امانت گرانبها (کتاب خدا و اهل

بیت) باقی می گذارم تا زمانی که به آن دو چنگ زده باشید هرگز

گمراه نخواهید شد».

و بدین سان بر همپایی و همراهی خاندان خویش علیهم السلام با قرآن کریم تأکید نمود، این تأکید دلالت بر این دارد که در زمان ما، کتاب خدا جز در کنار مهدی آل محمد علیهم السلام که یگانه ذخیره و باقیمانده این دودمان پاک است، کتاب هدایت انسانها نتواند بود و از گمراهی و سرگردانی مردم، جلوگیری نتواند کرد.

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَمُرَّ دَا عِلِّيَّ الْحَوْضُ؛<sup>۱</sup> علی علیه السلام با قرآن است و قرآن با علی علیه السلام است، هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا آن زمان که در حوض کوثر بر من وارد شوند.»

با توجه به اینکه در این عصر، وصایت و وراثت حضرت علی علیه السلام در همه مقامات ولایتی و شؤونات هدایتی اش تنها از آن حضرت مهدی علیه السلام می باشد، بر چنین همراهی و همپایی و معیّتی، بین او و قرآن نیز دلالت دارد.

### ب) شریک قرآن

همه ائمه بزرگوار، «شركاء قرآن کریم» شمرده شده اند.<sup>۲</sup> چنانکه به طور ویژه در یکی از زیارت های مخصوصه حضرت مهدی علیه السلام با تعبیر «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ» از ایشان یاد شده است.

### ج) تلاوت کننده و ترجمان قرآن

از آن رو که تلاوت آیات کتاب خدا بهترین وسیله انس با خداست، و

۱ - ینابیع المودة: ج ۲، ص ۲۶۹.

۲ - زیارت جامعه، از ملحقات مفاتیح الجنان: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ... وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ وَشُرَكَاءَ الْقُرْآنِ...».



برای مقرّبان درگاه حقّ هیچ لذّتی بالاتر از خواندن قرآن و تدبّر در آن نیست، حضرت مهدی علیه السلام که در این دوران والاترین درجات انس و بالاترین مقامات قرب الی الله را داراست، شایسته‌ترین کسی است که به عنوان «یا ثالی کتاب الله و تزجّماته»<sup>۱</sup> می‌تواند مورد خطاب قرار گیرد.

### د) قرائت‌کننده و تفسیرگر قرآن

برای قرائت و تفسیر قرآن کریم چه کسی شایسته‌تر از حضرت مهدی علیه السلام است که در این زمان «چراغ هدایت» و «حامل علوم قرآن» و «نگاهبان گنجینه دانش الهی» و «حافظ سرّ خداست» و تنها اوست که «امانات نبوت» و «ودیعت‌های رسالت» در این عصر به او سپرده شده است؟<sup>۲</sup> اوست که قرآن را چونان که پیامبر و علی علیه السلام قرائت می‌کردند؛ قرائت می‌کند و آن‌چنان که خدای محمد و علی علیه السلام می‌پسندد و مقرر فرموده است، تفسیر می‌نماید: «السّلامُ علیک جینَ تقرء و تُبین»<sup>۳</sup>.

چه خوش است صوت قرآن، ز تو دل‌با شنیدن

به رخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن

### ه) تعلیم‌دهنده احکام قرآن

«سّلامُ الله علی صاحبِ الزّمانِ و مُظهِرِ الْإِیْمَانِ وَ مُلَقِّنِ أَحْکَامِ الْقُرْآنِ»<sup>۴</sup>؛ سلام خدا بر صاحب الزمان و آشکارکننده ایمان و تلقین و تعلیم‌دهنده احکام قرآن.

۱- زیارت آل یس، روایت شده از زیارت ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام.

۲- تعابیری برگرفته از زیارت جامعه، مندرج در زیارت سوم ملحقات مفاتیح الجنان.

۳- زیارت آل یس.

۴- بخشی از زیارت «سلام الله الکامل...» در استغاثه به حضرت صاحب الزمان علیه السلام.

## و) احیاگر قرآن

در آخر الزمان که سنت‌های قرآنی به فراموشی سپرده شده و بسیاری از معارف این کتاب الهی از سوی کژاندیشان به تحریف و تبدیل کشیده شده و حیات و حیات‌آفرینی آیاتش، در حصار جهل و هوس دنیاپرستان نادیده گرفته شده است، مهدی علیه السلام می‌آید تا احیاگر این معجزه جاوید باشد و اسلام و مسلمین را در پرتو انوار فروزان آن، جانی تازه بخشد.

«اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِي مَا أَمْتَحَنِي مِنْ دِينِكَ وَأَخِي بِهَ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ وَأَظْهِرْ بِي مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ؛ خدایا از دینت آنچه به نابودی گراییده، به وسیله او تجدید فرما، و از کتابت آنچه دگرگونی و تبدیل پذیرفته به وسیله او احیا کن، و از احکامت آنچه را که تغییر یافته به وسیله او آشکار گردان.»

\*\*\*

## □ حضرت مهدی علیه السلام در قرآن

در قرآن، آیات بسیاری وجود دارد که به شهادت روایات مستند و معتبر، درباره حضرت مهدی علیه السلام و قیام جهانی او نازل گردیده است. در کتاب شریف «المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة علیه السلام» که توسط محدث بزرگوار، مرحوم سید هاشم بحرانی رحمته الله و با بهره‌گیری از دهها جلد کتب تفسیر و حدیث تألیف گردیده، مجموعاً (۱۳۲) آیه از آیات کریمه قرآن ذکر شده که در ذیل هر کدام یک یا چند روایت در تبیین کیفیت ارتباط آیه با آن حضرت علیه السلام نقل شده است.

۱ - صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی، وارد شده از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر، امام

زمان علیه السلام در اعمال روز جمعه.

در اینجا به ذکر چند روایت در این مورد بسنده می‌کنیم:

۱- امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عزوجل:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ اوست خدایی که پیامبرش را با

هدایت و دین حق فرو فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند،

اگرچه ناخوشایند کافران باشد.

فرمود: «به خدا سوگند! هنوز تاویل این آیه نازل نشده است و تا زمان قیام

قائم علیه السلام نیز نازل نخواهد شد. پس زمانی که قائم علیه السلام بپا خیزد، هیچ کافر و

مشرکی نمی‌ماند مگر آنکه خروج او را ناخوشایند می‌شمارد»<sup>۲</sup>.

۲- امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾<sup>۳</sup>؛

بگو حق آمد و باطل از بین رفت، همانا باطل نابود شدنی است.

فرمود: «زمانی که قائم علیه السلام قیام نماید، دولت باطل از بین خواهد رفت»<sup>۴</sup>.

۳- امام صادق علیه السلام در بیان معنای آیه کریمه:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ﴾<sup>۵</sup>؛ به راستی بعد از ذکر، در زبور نوشتیم که بندگان

صالح من وارثان زمین خواهند بود.

فرمود: «تمام کتب آسمانی ذکر خداست، و بندگان شایسته خدا که وارثان

زمین هستند، حضرت قائم علیه السلام و یاران او می‌باشند»<sup>۶</sup>.

۲- کمال الدین: ج ۲، باب ۵۸، ص ۶۷۰

۴- الروضة: ص ۲۸۷

۶- تفسیر قمی: ج ۲، ص ۷۷

۱- سوره توبه: آیه ۳۳

۳- سوره اسراء: آیه ۸۱

۵- سوره انبیاء: آیه ۱۰۵



۴- امام باقر علیه السلام درباره قول خدای عزوجل:

﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ...﴾<sup>۱</sup>

کسانی که اگر آنان را در زمین قدرت بخشیم، نماز را بپا می دارند و زکات می دهند.

فرمود: «این آیه در حق آل محمد علیهم السلام است در حق حضرت مهدی علیه السلام و یاران او که خداوند شرق و غرب زمین را تحت سلطه آنان قرار می دهد و به وسیله آنان دین را پیروز گردانده و بدعتها و باطلها را می میراند»<sup>۲</sup>.

۵- امام سجاد علیه السلام زمانی که این آیه شریفه را قرائت نمود:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي

ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمِنًا يُعْبُدُونَنِي وَلَا

يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...﴾<sup>۳</sup>؛ خدا به مؤمنان و شایستگان شما وعده

داده که آنان را در زمین همچون پیشینیان خلافت بخشد و دین

مورد رضایت خود را برای آنان تمکین و اقتدار دهد و ترس آنان را

به امنیت تبدیل کند تا مرا پرستند و شرک نوزند...

فرمود: «به خدا سوگند! آنان شیعیان ما اهل بیت علیهم السلام هستند، خداوند - آن

خلافت در زمین و اقتدار بخشیدن به دین را - به وسیله آنان و به دست

مردی از ما که مهدی این امت است، تحقق خواهد داد و هم اوست که

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره اش فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد،

۲- تأویل الآيات الظاهرة - نسخه خطی -

۱- سوره حج: آیه ۴۱.

۳- سوره نون: آیه ۵۵.

خداوند همان روز را آن چنان طولانی خواهد کرد که مردی از خاندان من که همنام من است فرا برسد و زمین را آن چنان که از ظلم و جور پر شده باشد، از عدل و داد آکنده سازد»<sup>۱</sup>

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: «آیه:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خَلَائِفَ

الْأَرْضِ...﴾<sup>۲</sup>؛ جز خدا کیست که دعای درمانده واقعی را اجابت

کند و بلا را رفع نماید و شما را خلفای زمین قرار دهد؟...»

درباره قائم آل محمد علیه السلام نازل شده است، به خدا سوگند، او همان مضطرّ درمانده‌ای است که چون در مقام ابراهیم دو رکعت نماز گزارد و فرج خویش از خدا بخواهد، خداوند دعایش را اجابت کند و بدی‌ها را برطرف سازد و او را در زمین خلیفه قرار دهد»<sup>۳</sup>

### □ حضرت مهدی علیه السلام در احادیث قدسی

۱- خداوند فرمود:

«ای پیامبر! به وسیله تو و پیشوایان از نسل تو بر بتدگان خویش رحمت می‌آورم، و به وسیله قائم از بین شما، زمین خود را با تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و بزرگداشت مقام الوهیت، آباد می‌سازم؛ و به وجود او زمین را از دشمنانم پاک می‌کنم، و آن را میراث اولیای خویش قرار می‌دهم، و به وسیله او کلمه توحید را تعالی بخشیده، کلمه کافران را به سقوط می‌کشانم، و به دست او و با علم خود

۲- سوره نمل: آیه ۶۲

۱- تفسیر عیاشی: ج ۳، ص ۱۳۶-

۳- تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۲۹-

سرزمین‌ها و دل‌بندگانم را حیاتی تازه می‌بخشم و گنج‌ها و ذخیره‌های پنهان را به مشیت خود برایش آشکار می‌سازم؛ و با اراده خود او را بر نهانی‌ها و مکنونات قلبی دیگران آگاه می‌گردانم و با فرشتگان خود او را یاری می‌رسانم تا در اجرای فرمان من و تبلیغ دین من مددکار او باشند، او به حقیقت ولی من است و به راستی هدایتگر بندگان من می‌باشد»<sup>۱</sup>.

۲ - امام باقر علیه السلام در وجه نامگذاری حضرت مهدی علیه السلام به «قائم آل محمد علیهم السلام» حدیثی قدسی روایت فرمود:

«زمانی که جدم حسین که صلوات خدا بر او باد، به شهادت رسید، فرشتگان با گریه و زاری به درگاه خداوند - عزوجل - نالیدند و گفتند: پروردگارا! آیا از آنان که برگزیده و فرزند برگزیده تورا، و امام انتخاب شده از بین خلق را کشتند، درمی‌گذری؟!»

خداوند به آنان وحی فرمود که: «فرشتگان من! آرام گیرید، سوگند به عزت و جلالم که از آنان انتقام می‌گیرم اگرچه بعد از گذشت زمانی طولانی باشد». سپس فرزندان از نسل حسین علیه السلام را که پس از او به امامت می‌رسند به ملائکه نشان داد و آنان شاد شدند.

فَإِذَا أَحَدُهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ<sup>۲</sup>؛ در بین این پیشوایان، یک نفرشان به نماز ایستاده بود، خداوند عزوجل فرمود: به وسیله آن «قائم» از دشمنان و قاتلان حسین علیه السلام انتقام می‌گیرم».

## □ حضرت مهدی علیه السلام در آینه کلام معصومین علیهم السلام

### ۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنَّا وَذَلِكَ حِينَ يَأْذَنُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ وَمَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ، اللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ فَأَتَوْهُ وَلَوْ عَلَى الشُّلُجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَخَلِيفَتِي...»<sup>۱</sup>

روز قیامت فرا نمی‌رسد مگر آنکه از بین ما «قائم حقیقی» قیام نماید و آن قیام، زمانی خواهد بود که خدای عزوجل او را اجازه فرماید، هر کس پیرو او باشد نجات می‌یابد و هر کس از فرمانش تخلف ورزد، هلاک می‌شود. ای بندگان خدا! خدا را، خدا را، بر شما باد که به نزدش آید اگرچه بر روی یخ و برف راه روید، زیرا او خلیفه خدای عزوجل و جانشین من است.»

### ۲ - امیر المؤمنین علی علیه السلام:

«قَالَ لِلْحُسَيْنِ علیه السلام: التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ! هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، الْمُسْطَهْرُ لِلدِّينِ، الْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ. قَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام: فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! وَإِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنٌ؟ فَقَالَ علیه السلام: إِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ وَاصْطَفَاهُ عَلِيٌّ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَلَكِنْ بَعْدَ غَيْبَةٍ وَحِيرَةٍ لَا تَثْبُتُ فِيهَا عَلَيٌّ دِينَهُ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَكُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ»<sup>۲</sup>

به امام حسین علیه السلام فرمود: نهمین فرزند تو ای حسین! قیام کننده به حق و آشکار سازنده دین و گستراننده عدالت است. امام

حسین علیه السلام گوید: پرسیدم: یا امیر المؤمنین! آیا حتماً چنین خواهد شد؟ فرمود: آری! قسم به کسی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت و او را بر تمام خلایق برگزید، چنین خواهد شد، اما بعد از غیبت و حیرتی که در آن کسی ثابت قدم بر دین نمی ماند مگر مخلصین و دارندگان روح یقین، آنان که خداوند نسبت به ولایت ما از آنان پیمان گرفته و ایمان را بر صفحه دلشان نگاشته و با روحی از جانب خود تأیید فرموده است».

### ۳- حضرت فاطمه زهرا علیها السلام:

«قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ابْشِرِي يَا فَاطِمَةُ، الْمَهْدِيُّ مِنْكَ؛<sup>۱</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: ای فاطمه! تو را بشارت باد به اینکه حضرت مهدی علیه السلام از نسل توست».

### ۴- امام حسن مجتبی علیه السلام:

«مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَيَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبِطَاعِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمَ الَّذِي يُصَلِّي رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلَقَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَخْفَى وَلادَتُهُ وَيُغَيِّبُ شَخْصَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ؛<sup>۲</sup> هیچ یک از ما اهل بیت نیست مگر آنکه بیعتی از طاعت زمانش را اجباراً برعهده دارد. مگر حضرت «قائم» که عیسی بن مریم، روح الله پشت سر او نماز می گزارد. خداوند ولادت او را مخفی می دارد و شخص او را از دیدگان غایب می گرداند، تا بیعت هیچ کس را برگردن نداشته باشد».



### ۵ - امام حسین علیه السلام:

«مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مُهَدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ  
وَأَخْرَهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يُحْيِي اللَّهُ بِهِ  
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ  
الْمُشْرِكُونَ؛<sup>۱</sup> دوازده هدایت شده هدایتگر از بین ما هستند، اولین  
آنان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنان، نهمین  
فرزند من است که پیشوای قیام کننده به حق خواهد بود، خداوند به  
وسیله او زمین را پس از موات شدنش زنده می کند و به دست او  
دین حق را بر تمامی ادیان پیروز می سازد، اگرچه مشرکان را  
ناخوشایند باشد».

### ۶ - امام زین العابدین علیه السلام:

«إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى... فَيَطُولُ أَمْرُهَا  
حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ، فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ  
قَوِيَ يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا  
وَسَلَّمْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ علیهم السلام؛<sup>۲</sup> برای قائم ما دو غیبت هست: یکی از آن  
دو طولانی تر از دیگری است... و آن قدر طول خواهد کشید که اکثر  
معتقدین به ولایت از او دست می کشند، در آن زمان کسی بر امامت و  
ولایت او ثابت قدم و استوار نمی ماند مگر آن که ایمانش قوی و  
شناختش درست باشد و در نفس خویش نسبت به حکم و قضاوت  
ما هیچ گرفتگی و کراهتی احساس نکند و تسلیم ما اهل بیت باشد».

۱ - کمال الدین: ج ۱، باب ۲۹، ص ۳۱۷.

۲ - همان: ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

### ۷- امام باقر علیه السلام:

راوی گوید: از امام علیه السلام درباره آیه شریفه:

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ﴾<sup>۱</sup>؛ قسم یاد می‌کنم به ستارگان بازگرداننده!

سؤال کردم: فرمود:

«هَذَا مَوْلُودٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، هُوَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْعِثْرَةِ، تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَغَيْبَةٌ، يُضَلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيُهْتَدَى فِيهَا أَقْوَامٌ، فَيَا طُوبَى لَكَ إِنْ أَدْرَكْتَهُ وَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ»<sup>۲</sup> مراد این آیه، مولودی در آخر الزمان است که همان مهدی از این خاندان است، او را حیرت و غیبتی هست که در آن گروه‌هایی گمراه شوند و گروه‌هایی دیگر هدایت پذیرند. پس خوشا به حال تو اگر او را درک کنی و خوشا به حال هر کسی که او را درک کند».

### ۸- امام صادق علیه السلام:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عِبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ»<sup>۳</sup>  
همانا برای صاحب این امر غیبتی هست، پس بنده خدا در آن دوران باید تقوای الهی پیشه کند و به دینش چنگ زند».

### ۹- امام کاظم علیه السلام:

«صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ، هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنِ أَهْلِهِ الْمَوْتُورُ بِأَبِيهِ»<sup>۴</sup> صاحب این امر - حضرت مهدی علیه السلام - کنار گذاشته شده، تنها، غریب، غایب از اهل و خوئخواه پدر خویش می‌باشد».

۱- سوره تکویر: آیه ۱۵.

۲ و ۳- کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۳.

۴- همان: ص ۳۶۱.

### ۱۰ - امام رضا علیه السلام:

«... وَبَعْدُ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْحُجَّةَ الْقَائِمُ الْمُنتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ، الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ، لَوْ لَمْ يَبْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا؛<sup>۱</sup>

و بعد از امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش حضرت حجّت قائم، امام خواهد بود، آن کس که در دوران غیبتش مورد انتظار، و در زمان ظهورش مورد اطاعت مؤمنان است. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا همان روز را چنان طولانی کند که قیام فرماید و زمین را از عدالت پر کند چنانکه از ستم پر شده باشد».

### ۱۱ - امام جواد علیه السلام:

درباره اینکه چرا حضرت مهدی علیه السلام «منتظر» نامیده می شود، فرمود:  
 «إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَيَطْوِلُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيُنْكِرُهُ الْمُزْتَابُونَ وَيَسْتَهْزِئُ بِهِ الْجَاهِدُونَ وَيُكَذِّبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَيَنْجُو فِيهَا الْمَسْلَمُونَ؛<sup>۲</sup> او را غیبتی هست که زمانش زیاد است و پایانش به طول می انجامد، پس مخلصین، چشم انتظار قیام او می مانند و شکا کنندگان، به انکار او بر می خیزند و منکرین به استهزای او می پردازند و تعیین کنندگان وقت ظهور مورد تکذیب قرار می گیرند و عجله کنندگان در آن هلاک می شوند و تسلیم شدگان نجات می یابند».

۱ - کمال الدین: ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۲.

۲ - بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۱۵۸؛ کمال الدین: ج ۲، باب ۳۶، ص ۳۷۸.

## ۱۲ - امام هادی علیه السلام:

«إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِينَ، فَتَوَقَّعُوا الفَرَجَ؛<sup>۱</sup> زمانی که صاحب و امام شما از دیار ستمگران غایب گشت، چشم انتظار فرج باشید».

## ۱۳ - امام حسن عسکری علیه السلام:

«المُنْكَرُ لَوْلَدِي كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ نُبُوَّةَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَالمُنْكَرُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَمَنْ أَنْكَرَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ، لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كطَاعَةَ أَوْلِنَا وَالمُنْكَرُ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوْلِنَا؛<sup>۲</sup> کسی که فرزندانم - مهدی علیه السلام - را انکار کند، مانند کسی است که تمام پیامبران و رسولان الهی را قبول داشته باشد، اما نبوت رسول خدا صلى الله عليه وآله را انکار نماید، و انکار کننده رسول خدا صلى الله عليه وآله مانند کسی است که همه انبیاء را انکار نماید؛ چون اطاعت آخرین امام ما به منزله اطاعت اولین امام است و منکر آخرین امام ما به منزله منکر اولین امام است».

\*\*\*

۱ - کمال الدین: ج ۲، باب ۳۷، ص ۳۸۰.

۲ - همان: ج ۲، باب ۳۸، ص ۴۰۹.

## ویژگیهای حضرت مهدی علیه السلام

### □ اسامی و اوصاف<sup>۱</sup> و القاب حضرت مهدی علیه السلام

مرحوم ثقة الاسلام نوری در بیان اسماء شریفه امام عصر علیه السلام، با استناد به آیات و روایات و کتب آسمانی پیشین و تعبیرات راویان و تاریخ نگاران تعداد یکصد و هشتاد و دو اسم و لقب برای حضرت مهدی علیه السلام ذکر می کند و مدعی است که در این مقام، از استنباطهای شخصی و استحسانهای غیر قطعی خودداری نموده است که در غیر این صورت چندین برابر این اسماء و القاب، قابل استخراج از کتب مختلفه بود، که از آن جمله است:

محمد، احمد، عبد الله، محمود، مهدی، برهان، حجت، حامد، خلف صالح، داعی، شریذ، صاحب، غائب، قائم، منتظر و...<sup>۲</sup>

کنیه های آن حضرت عبارتند از: ابوالقاسم (هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله)، ابو عبد الله، ابو صالح که مرحوم نوری ابوابراهیم، ابوالحسن و ابوتراب را نیز از کنیه های ایشان شمرده است. در اینجا به ذکر پاره ای عناوین و صفات که در ضمن زیارت های مختلف و ادعیه مربوط به حضرت مهدی علیه السلام مورد تصریح قرار گرفته است، اشاره داریم. با این امید که دقت و تأملی در آنها، ما را با شؤونات مختلفه آن بزرگوار آشنا ساخته و مقاماتی را که غالباً از لسان معصومین علیهم السلام در ضمن این دعاها و زیارتها برای امام دوازدهم علیه السلام بر شمرده شده برایمان روشن تر سازد.

۱ - اوصاف حضرت بیش از این است که در کتاب ذکر شده است، لذا بنا بر اختصار، به ذکر

۲ - نجم الثاقب: ص ۵۵ - ۱۳۲.

برخی از آنها بسنده می کنیم.

قابل ذکر اینکه تمام این عناوین و اوصاف به طور خاص در مورد حضرت مهدی علیه السلام وارد گردیده، اگرچه بسیاری از آنها در مورد سایر امامان بزرگوار اسلام علیهم السلام نیز می‌تواند مصداق داشته باشد.

دیگر اینکه، آنچه ذکر می‌شود، نه به ادعای اسم یا لقب آن حضرت، بلکه به عنوان بهره‌وری از تعابیر موجود در نصوص زیارت و دعاست، اعم از اینکه واژه‌ای مفرد یا جمله‌ای توصیفی باشد.

بقیة الله: باقیمانده خدا در زمین.

خليفة الله: جانشین خدا در میان خلایق.

وجه الله: مظهر جمال و جلال خدا، سمت و سوی الهی که اولیای حق رو به او دارند.

باب الله: دروازه همه معارف الهی، دری که خداجویان برای ورود به ساحت قدس الهی قصدش می‌کنند.

داعی الله: دعوت کننده الهی، قراخواننده مردم به سوی خدا، منادی راستین هدایت الی الله. سبیل الله: راه خدا، که هر کس سلوکش را جز در راستای آن قرار دهد، سرانجامی جز هلاکت نخواهد داشت.

ولی الله: سرسپرده به ولایت خدا و حامل ولایت الهی، دوست خدا.

حجة الله: حجت خدا، برهان پروردگار، آن کس که برای هدایت در دنیا، و حساب در آخرت به او احتجاج می‌کنند.

نور الله: نور خاموشی‌ناپذیر خدا، ظاهر کننده همه معارف و حقایق توحیدی، مایه هدایت ره جویان.

عین الله: دیده بیدار خدا در میان خلق، دیده‌بان هستی، چشم خدا در مراقبت کردار بندگان. سلالة النبوة: فرزند نبوت، باقیمانده نسل پیامبران.

خاتم الأوصیاء: پایان بخش سلسله امامت، آخرین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله.

علم الهدی: پرچم هدایت، رایت همیشه افراشته در راه خدا، نشان مسیر حقیقت.



سفینه النجاة: کشتی نجات، وسیله‌ی رهایی از غرقاب ضلالت، سفینه رستگاری.

عين الحیوة: چشمه زندگی، منبع حیات حقیقی.

القائم المنتظر: قیام‌کننده مورد انتظار، انقلاب‌بی‌نظیری که همه صالحان چشم انتظار قیام جهانی اویند.

العدل المشتهر: عدالت مشهور، تحقق‌بخش عدالت موعود.

السيف الشاهر: شمشیر کشیده حق، شمشیر از نیام برآمده در اقامه عدل و داد.

القمر الزاهر: ماه درخشان، ماهتاب دل‌افروز شیهای سیاه‌فتنه و جور.

شمس الظلام: خورشید آسمان هستی ظلمت‌گرفتگان، مهر تابنده در ظلمات زمین.

ربیع الأنام: بهار مردمان، سرفصل شکوفایی انسان، فصل اعتدال خلایق.

نصرة الأيام: طراوت روزگار، شادابی زمان، سرسبزی دوباره تاریخ.

الدين الماثور: تجسم دین، تجسید آیین برجا مانده از آثار پیامبران، خود دین، کیان آیین، روح مذهب.

الكتاب المسطور: قرآن مجسم، کتاب نوشته‌شده باقلم تکوین، معجزه پیامبر در هیأت بشری.

صاحب الأمر: دارنده ولایت امر الهی، صاحب فرمان و اختیاردار شریعت.

صاحب الزمان: اختیاردار زمانه، فرمانده کل هستی به اذن حق.

مطهر الأرض: تطهیرکننده زمین که مسجد خداست، ازین برنده پلیدی و ناپاکی از سبیط خاک.

ناشر العدل: برپا دارنده عدالت، برافرازنده پرچم عدل و داد در سراسر گیتی.

مهدي الأمم: هدایتگر همه امت‌ها، راه یافته راهنمای همه طوائف بشریت.

جامع الكلم: گردآورنده همه کلمه‌ها بر اساس کلمه توخید، وحدت‌بخش همه صف‌ها.

ناصر حق الله: یاری‌گر حق خدا، یاور حقیقت.

دلیل إرادة الله: راهنمای مردم به سوی مقاصد الهی، راه‌بلد و راهبر انسانها در راستای اراده خداوند.

الثائر بأمر الله: قیام‌کننده به دستور الهی، برانگیخته به فرمان پروردگار، شورنده بر غیر خدا به امر او.

محبی المؤمنین: احیاگر مؤمنان، حیات بخش دل‌های اهل ایمان.  
مبیر الکافرین: نابود کننده کافران، درهم شکننده کاخ کفر، هلاک کننده کفار.  
معز المؤمنین: عزت بخش مؤمنان، ارزش دهنده اهل ایمان.  
مذل الکافرین: خوار کننده کافران، درهم شکننده جبروت کفر پیشگان.  
منجی المستضعفین: نجات دهنده مستضعفان، رهایی بخش استضعاف کشیدگان.  
سيف الله الذي لا ينبو: شمشیر قهر خدا که کنده نپذیرد.  
ميثاق الله الذي أخذه: پیمان بندگی خدا که از بندگان گرفته شده.  
مدار الدهر: مدار روزگار، محور گردونه وجود، مرکز پیدایش زمان.  
ناموس العصر: نگهدارنده زمان، کیان هستی دوران.  
كلمة الله التامة: کلمه تامه خداوند، حجت بالغه الهی.  
تالی کتاب الله: تلاوت کننده کتاب خدا، قاری آیات کریمه قرآن.  
وعد الله الذي ضمنه: وعده ضمانت شده خدا، پیمان تخلف ناپذیر الهی.  
رحمة الله الواسعة: رحمت بی پایان الهی، رحمت بی کرانه پروردگار، رحمت گسترده حق.  
حافظ أسرار رب العالمین: نگهبان اسرار پروردگار، حافظ رازهای ربوبی.  
معدن العلوم النبویة: گنجینه دانش‌های پیامبری، خزانه معارف نبوی.  
نظام الدین: نظام بخش دین.  
يعسوب المتقين: پیشوای متقین.  
معز الأولیاء: عزت بخش یاران.  
مذل الأعداء: خوار کننده دشمنان.  
وارث الأنبياء: میراث بر پیامبران.  
نور أبصار الوری: نور دیدگان خلائق.  
الوتر الموتور: خونخواه شهیدان.  
كاشف البلوی: برطرف کننده بلاها.  
المعد لقطع دابر الظلمة: مهیا شده برای ریشه کن کردن ظالمان.

المنتظر لإقامة الأمت والعوج: مورد انتظار برای از بین بردن کژیها و نادرستیها.  
 المترجی لإزالة الجور والعدوان: مورد آرزو برای برطرف کردن ستم و تجاوز.  
 المدخر لتجديد الفرائض والسنن: ذخیره شده برای تجدید واجبات و سنن الهی.  
 المؤمل لإحياء الكتاب وحدوده: مورد امید برای زنده ساختن دوباره قرآن و حدود آن.  
 جامع الكلمة على التقوى: گردآورنده مردم بر اساس تقوی.  
 السبب المتصل بين الأرض والسماء: واسطه بین آسمان و زمین، کانال رحمت حق بر خلق.  
 صاحب يوم الفتح وناشر رایة الهدی: صاحب روز پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت.  
 مؤلف شمل الصلاح والرضا: الفت دهنده دلها بر اساس رضایت و درستکاری.  
 الطالب بدم المقتول بكرىبلاء: خونخواه شهید کربلا.  
 المنصور على من اعتدى عليه وافترى: یاری شده علیه دشمنان و افترا زندگان.  
 المضطر الذى يجاب إذا دعى: پریشان و درمانده که چون دعا کند دعایش مستجاب شود.

\*\*\*

## □ برخی ویژگی‌های ظاهری

### ۱ - شبیه پیامبر ﷺ:

حضرت مهدی عجل الله فرجه سیمایی چون سیمای پیامبر صلى الله عليه وآله دارد، در رفتار و گفتار و سیرت نیز شبیه و همانند اوست.  
 امیر المؤمنین عليه السلام روزی به فرزند خود امام حسین عليه السلام نظر افکنده، به اصحاب خود فرمودند:

«سَيُخْرِجُ اللهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَسَبِكُمْ، يَشْبَهُهُ فِي الْخُلُقِ وَالْخُلُقِ؛ در آینده خداوند از نسل او مردی را پدید می‌آورد که همانم پیامبر شماست و در ویژگی‌های ظاهری و سجایای اخلاقی به او شباهت دارد».

## ۲ - زیبا و خوش صورت:

زیبایی اگر به اعتدال و تناسب اعضای چهره، پایه گیرایی نگاه و نورانیت صورت و جذابیت آن باشد، همگی در وجود نازنین یادگار پیامبر ﷺ به ودیعت نهاده شده است.

امیر المؤمنین علیه السلام در وصف زیبایی آن حضرت فرمودند:

«هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ الْقَامَةِ حَسَنُ الْوَجْهِ»<sup>۱</sup>

## ۳ - گشاده پیشانی:

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمودند:

«هُوَ رَجُلٌ أَجْلَى الْجَبِينِ، نُورٌ وَجْهِهِ يَغْلُو سِوَادَ لَحْيَتِهِ وَرَأْسِهِ»<sup>۲</sup>

پیشانی بلند و گشاده اش بر هیبت و وقار چهره زیبایش می افزاید، و چنان نوری بر چهره و جبین او پیدا است که سیاهی موهای سر و مخاسن شریفش را تحت الشعاع قرار می دهد.

## ۴ - میانه قامت:

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«لَيْسَ بِالطَّوِيلِ الشَّامِخِ وَلَا بِالْقَصِيرِ اللَّارِزِقِ، بَلْ مَرْبُوعٌ الْقَامَةِ»<sup>۳</sup>

قامتی نه دراز و بی اندازه، و نه کوتاه بر زمین چسبیده دارد، بلکه اندامش معتدل و میانه است.

## ۵ - دارای دو خال مخصوص:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«بِالْقَائِمِ عَلَمَتَانِ: شَامَةٌ فِي رَأْسِهِ وَدَاءٌ الْحَزَازِ بِرَأْسِهِ، وَشَامَةٌ بَيْنَ

۱ - بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۶، حدیث ۶

۲ - منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۸۱

۳ - همان: ج ۵۱، ص ۳۶ - ۴۰

كَتْفَيْهِ مِنْ جَانِبِهِ الْأَيْسَرِ تَحْتَ كِتْفَيْهِ وَرَقَّةٌ مِثْلَ وَرَقَّةِ الْأَسِّ؛<sup>۱</sup>  
 خالی بر چهره دارد که بر گونه راستش همچون دانه مُشکی میان  
 سفیدی صورتش می درخشد و خالی دیگر بین دو کتفش متمایل به  
 جانب چپ بدن دارد».

درباره شمایل ظاهری امام زمان علیه السلام، پاره‌ای صفات دیگر از مجموعه  
 روایات وارده در این باب می‌توان به دست آورد:

- \* آن حضرت رنگی سپید، که آمیختگی مختصری با رنگ سرخ دارد.
- \* از بیداری شب‌ها، چهره‌اش به زردی می‌گراید.
- \* چشمانش سیاه و ابروانش بهم پیوسته است و در وسط بینی او  
 برآمدگی کمی پیدا است.
- \* میان دندانهایش گشاده و گوشت صورتش کم است.
- \* میان دو کتفش عریض است و شکم و ساق او به امیرالمؤمنین علیه السلام  
 شباهت دارد.

\* در وصف او وارد شده: «الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ  
 الدُّرِّيِّ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ التُّورِ؛<sup>۲</sup> حضرت مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است،  
 چهره‌اش مانند ماه درخشنده است و گویا جامه‌هایی از نور بر تن دارد».

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاکْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ مِنِّي  
 إِلَيْهِ؛<sup>۳</sup> بارخدایا! آن جمال بارشادت و پیشانی نورانی ستایش شده را، به من  
 بنمایان، و چشمم را به نگاهی به او سرمه کن».

\*\*\*

۱ - بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۴۱، حدیث ۲۳.

۲ - منتهی الآمال: ج ۲، ص ۴۸۱. ۳ - مفاتیح الجنان: دعای عهد.

بخش دوم

**غیبت**



## غیبت حضرت مهدی علیه السلام

### □ پیشینه غیبت

غیبت دوازدهمین پیشوای مسلمین حضرت مهدی علیه السلام، امری ناگهانی و غیر منتظره نبوده، بلکه عوامل متعددی به شناخت قبلی این پدیده توسط مسلمانان، کمک می کرده است:

- ۱- غیبت‌های درازمدت و کوتاه‌مدت پیامبران پیشین علیهم السلام و نهانی‌های متعدد شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که طی مباحث قبلی اجمالاً ذکر گردید. آشنایی مردم با تاریخ ادیان گذشته و کیفیت حصول چنین غیبت‌هایی در آن دورانها پذیرش غیبت حضرت مهدی علیه السلام را برای آنان آسان می ساخت.
- ۲- انبوهی از روایات مستند و صحیح، در آگاه‌سازی مؤمنین نسبت به چگونگی زندگی و امامت نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام که به بیانهای گوناگون از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر معصومین، حصول غیبتی طولانی برای او را مورد تأکید قرار می دادند.

در این مورد تنها در کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» بیش از ۱۵۰ حدیث جمع آوری شده و طی چهارده باب، از باب ۲۴ تا باب ۳۸، تحت عنوان‌های «ما أخبر به النبی من وقوع الغیبة» و «ما أخبر به أمير المؤمنين علیه السلام من وقوع الغیبة» و... «ما أخبر به العسکری علیه السلام من وقوع الغیبة» به طور جداگانه فرمایشات هر یک از معصومین علیهم السلام پیرامون غیبت و لزوم آمادگی مردم ذکر گردیده است.

۳ - کیفیت زندگانی دو امام بزرگوار شیعه، امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام را، می توان مقدمه‌ای عینی و عملی برای آماده‌سازی مردم، جهت غیبت حضرت مهدی علیه السلام به شمار آورد، به عبارت دیگر، زندگی اجباری آن دو امام مظلوم در محاصره نیروی دشمن و در شرایط دشوار شهر محل تبعیدشان - سامرا - ارتباط ایشان را با مردم و حتی شیعیان و خواص اصحاب خود، آنچنان تقلیل داده بود که بطور طبیعی شکلی از نهان‌زیستی و غیبت را تداعی می‌کرد.

\*\*\*

### □ مروری گذرا بر غیبت صغری

#### الف) مقدمه غیبت کبری:

غیبت صغری را می‌توان مقدمه‌ای دیگر برای غیبت کبری امام زمان علیه السلام به شمار آورد. مردم اگرچه طی احادیث فراوان از طریق پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان گذشته علیهم السلام با اندیشه غیبت طولانی پیشوایشان آشنایی پیدا کرده و کیفیت ابتلای دو امام پیشین به محاصره دشمن، آنان را عملاً با نهانی پیشوا مأنوس ساخته بود، اینک با غیبت صغری باید آمادگی کامل برای نهان‌زیستی طولانی و غیر معلوم امام و رهبر خویش پیدا می‌کردند.

#### ب) زمان غیبت صغری:

به عقیده گروهی از محدثین و تاریخ‌نگاران، دوران غیبت صغری از زمان ولادت امام زمان علیه السلام در سال ۲۵۵ هجری قمری، شروع شده و با استمرار تا سال ۳۲۹، مدت ۷۴ سال به طول انجامید. لکن به استناد شواهد متعددی در روایات و اخبار این باب، می‌توان مطمئن شد که مراد از غیبت صغری همان مدت ۶۹ سال - بین آغاز امامت آن بزرگوار و به دنبال شهادت

امام حسن عسکری علیه السلام، در سال ۲۶۰ هجری قمری، تا آغاز غیبت کبری در سال ۳۲۹ - می‌باشد که قول مشهور است.<sup>۱</sup>

### ج) نحوه ارتباط با مردم:

در طی مدت غیبت صغری، چهار تن از بزرگان علم و تقوی بنام‌های عثمان بن سعید عمروی رضی الله عنه، و محمد بن عثمان بن سعید عمروی رضی الله عنه، و حسین بن روح نوبختی رضی الله عنه، و علی بن محمد سیمری رضی الله عنه تحت عنوان «نواب اربعه» وساطت بین امام علیه السلام و مردم را به عهده داشتند.

هر کدام از این بزرگواران با فرمان خاص امام زمان علیه السلام به چنین مقامی منصوب می‌شدند. مثلاً پس از فوت عثمان بن سعید عمروی رضی الله عنه - که قبل از امام زمان علیه السلام نیابت از طرف امام علی النقی و امام حسن عسکری علیه السلام را نیز عهده‌دار بود - نامه‌ای به خط امام زمان علیه السلام خطاب به فرزندش محمد رسید که در بخشی از آن آمده بود:

«ما همه از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم تسلیم فرمان او، راضی به قضای او هستیم، پدرت سعادت‌مندانه زیست، و پسندیده وفات کرد، رحمت خدا بر او باد و خدا او را با اولیاء و موالیانش محشور فرماید که همواره در اجرای فرمانشان کوشا بود».

و در بخشی دیگر فرموده بود:

«خدا به او اجر جزیل دهد... از کمال سعادت پدرت این بود که خدا فرزندی چون تو را روزی او کرد که بعد از او جانشینش باشد و به امر خدا در مسئولیتی که داشت قائم مقام او گردد و موجبات رحمت او را فراهم آرد».<sup>۲</sup> ○

۱- بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۶۶.

۲- همان: ج ۵۱، ص ۳۴۹؛ به نقل از غیبت طوسی و احتجاج و کمال الدین.

قابل ذکر است که امام زمان علیه السلام در این دوران سفراء و مأمورینی خاص نیز داشت، که در پاره‌ای مسؤولیت‌های ویژه همچون جمع‌آوری خمس و زکات از طرف آن حضرت مأموریت می‌یافتند.

صاحب «اعلام الوری» در این باره گوید:

«در غیبت صغری سفیرانی موجود بودند و نواب و ابوابی مشهور وجود داشتند که شیعیان درباره آنان هیچ اختلافی نداشتند، بعضی از آنان عبارتند از: ابوهاشم داود بن قاسم جعفری، محمد بن علی بن بلال، ابو عمرو عثمان بن سعید روغن فروش، فرزندش ابوجعفر محمد بن عثمان، عمر اهوازی، احمد بن اسحاق، ابومحمد و جنائی، ابراهیم بن مهزیار، محمد بن ابراهیم و جماعتی دیگر که بعداً در صورت نیاز ذکر خواهند شد»<sup>۱</sup>.

#### (د) پایان غیبت صغری:

ابومحمد حسن بن محمد کاتب گوید:

در سال ۳۲۹ در مدینه بودم، چند روز قبل از وفات ابوالحسن علی بن محمد سیمری در خانه‌اش حاضر شدم، او نامه‌ای به خط مولا صاحب الزمان علیه السلام را به مردم حاضر در جلسه نشان داد که چنین نوشته بود:

«بنام خداوند بخشنده مهربان؛ ای علی بن محمد سیمری! خداوند

اجر برادرت را درباره تو زیاد گرداند، تو تا شش روز دیگر وفات

خواهی کرد. پس امور خود را جمع کن و کسی را برای جانشینی

خود تعیین و معرفی نکن، زیرا غیبت نهایی واقع شده و دیگر

۱ - بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۶۵، به نقل از اعلام الوری.

ظهوری نیست مگر بعد از اذن خدای تعالی، و آن ظهور، پس از گذشت مدتی طولانی و سخت شدن دلها و پر شدن زمین از ظلم و جور اتفاق خواهد افتاد و از بین شیعیان من کسانی خواهند آمد که ادعای مشاهده مرا دارند، آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و برآمدن صیحه آسمانی چنین ادعایی داشته باشد دروغگوی افترا زننده است؛ ولا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم».

ابومحمد گوید: متن توقیع را نوشتیم و بیرون آمدیم، روز ششم به سویش برگشتیم در حالی که داشت جان می داد و آخرین کلامش این بود: «همه امور به دست خداست».

\*\*\*

### □ چگونه غیبت

در باب غیبت حضرت مهدی علیه السلام روایاتی هست که با دقت در آنها می توان کیفیت غیبت را دریافت و از این طریق به حل بسیاری از سؤالات و اشکالاتی که به نحوه غیبت برمی گردد، نائل گردید:

**الف) مستور بودن:**

امام صادق علیه السلام فرمود:

«در صاحب این امر سنت هایی از پیامبران است؛ سنتی از موسی بن عمران، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف، سنتی از محمد صلی الله علیه و آله. اما سنتی که از موسی علیه السلام دارد، آن است که خائف و منتظر فرصت نشسته است. اما سنتی که از عیسی علیه السلام دارد، آن است که در باره اش بگویند آنچه را که درباره عیسی علیه السلام می گفتند. اما سنتی که از

یوسف علیه السلام دارد، مستور بودن است. خداوند بین او و مردم حجابی قرار می‌دهد، به طوری که او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند. و اما سنتی که از محمد صلی الله علیه و آله دارد، آن است که هدایت شده به هدایت او و سیرکننده به سیرت اوست.<sup>۱</sup>

با توجه به این روایت و نظایر آن، زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت به شکل طبیعی صورت می‌گیرد و حتی مردم عادی نیز به دیدار او توفیق می‌یابند، اما از شناخت او ناتوان‌اند.

با این تفسیر، غیبت آن بزرگوار، فقط به عنوان «حجاب معرفت» و «مانع شناخت» مطرح می‌شود که آن هم بر دیده و دل مردم کشیده شده است نه بر وجود شریف او. و بدین ترتیب می‌توان گفت که هرگاه آن حجاب و مانع از چشم و سریره مردم برداشته شود (یرونه و يعرفونه) او را خواهند دید و خواهند شناخت.

### ب) حضور مستور و مستمر:

در فرازهایی از دعای ندبه می‌خوانیم:

«بِتَّقْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا بِتَّقْسِي أَنْتَ مِنْ تَارِحٍ مَا تَزَحَّ

عَنَّا»<sup>۲</sup> به جانم سوگند که تو آن نهان شده‌ای که بیرون از جمع ما

نیستی، به جانم سوگند که تو آن دور شده‌ای که از ما دوری نداری.

تعبیر زیبای «نهان شده‌ای که همیشه با ما است» و «دور شده‌ای که به ما نزدیک است»، نویدبخش «حضور مستمر» امام زمان علیه السلام در جمع شیعیان و محبین است.

۱ - کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۵۱، حدیث ۴۶.

۲ - مفاتیح الجنان: دعای ندبه.



در این کلام یا تضادی نیست از آن رو که می‌تواند «همیشه با ما باشد» ولی چون شناخته نمی‌شود «نہان شده و مستور» به شمار آید، و یا اگر ظاهراً تضادی باشد، قابل حل است، از آن جهت که «دور شده» از عموم مردم به حساب می‌آید، لکن به خاصان و موالیان خود «نزدیک» است.

### ج) نهانی از دیدگان نه از دلها:

راوی گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره آیه قرآن «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»<sup>۱</sup> پرسیدم، فرمود: «نعمت ظاهر و آشکار، امام ظاهر است و نعمت باطن و پنهان، امام غائب».

پرسیدم: آیا از امامان ما کسی غائب می‌شود؟ فرمود:

«نَعَمْ، يَغِيبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ، وَلَا يَغِيبُ عَنِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ»<sup>۲</sup> آری! چهره‌اش از دیدگان مردم پنهان می‌شود، لکن یادش در دل‌های مؤمنان غایب نمی‌شود».

مردم اگرچه از دیدن چهره پرفروغ امام خویش در دوران غیبت محروم می‌مانند، لکن می‌توانند یاد او را همیشه در دل داشته باشند.

توجه به اختلاف دو تعبیر «ابصار الناس» و «قلوب المؤمنين» در کلام حضرت، نشان دهنده امتیاز مؤمنین و اختلاف تلقی آنان از غیبت، نسبت به سایر مردم است.

آنچه برای مردم عادی مهم است؛ دیدن یا «چشم سر» است، اگر نبینند باور نمی‌کنند، دلشان از امامی که نمی‌بینند، متأثر نمی‌شود، و چون «دل» متأثر نشد، عملشان رنگ تبعیت از امام نمی‌گیرد.

۱- سوره لقمان: آیه ۲۰.

۲- منتخب الاثر: باب ۲۲، ص ۲۳۹، حدیث ۳، به نقل از کفایة الاثر.

اما برای مؤمنین، آنچه اهمیت دارد، دیدن با «چشم دل» است، و چون با چشم دل، امام معصوم خویش را می بینند، ایمان می آورند رفتار و گفتارشان رنگ ولایت می گیرد، اگرچه او را با «چشم سر» نتوانند ببینند.

### د) آگاهی موالیان حقیقی به مکان غیبت:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ. الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مِنْ شِيعَتِهِ، وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيَهُ؛<sup>۱</sup> برای حضرت قائم علیه السلام دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت اول، جز شیعیان مخصوص، کسی به مکان او آگاه نیست. و در غیبت دوم، جز دوستان مخصوص، کسی به مکان او آگاه نیست.»

با این تفسیر نیز غیبت، حجابی است که بر دیدگان نامحرمان حریم ولایت حقیقی کشیده اند. اگر شیعه، شیعه واقعی و دوست صدیق و صادق مولایش باشد و اگر ولایت ناب را دارا باشد، به مکان اقامت امام علیه السلام در غیبت آگاه می باشد و با چنین آگاهی توفیق حضور می یابد.

### ه) کناره گزینی و دوری از مساکن ظالمین:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ وَلَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزْلَةٍ وَنَعْمَ الْمَنْزِلُ طَيْبَةٌ وَمَا يَثْلَاثِينَ مِنْ وَحْشَةٍ؛<sup>۲</sup> صاحب این امر ناگزیر از

۱ - کافی: ج ۲، ص ۱۴۱، کتاب الحجّة، حدیث ۱۹.

۲ - همان: ج ۲، ص ۱۴۰، حدیث ۱۶.

غیبت است، و به ناچار در زمان غیبتش گوشه گیری و کناره گزینی اختیار کند. و چه خوب منزلی است مدینه و در آن سی نفر<sup>۱</sup> هیچ هراس و وحشتی نیست».

مولایمان حضرت مهدی علیه السلام تاچار از غیبت است اما چرا؟ جوابش به نحوی در جمله بعدی روشن می شود.

اینکه برای چنین غیبتی ناگزیر از کناره گیری و دوری از مردم است، هم کیفیت غیبت و هم چرایی غیبت را نشان می دهد. در حقیقت چون جباران و ستمگران او را نمی خواهند، مجبور است دور از مردم زندگی کند و بالاتر از این، چون اگر او را بیابند به قتل او کمر می بندند و مانع از تحقق وعده های الهی به دست او می شوند، ناگزیر است در مکانی دور از ظالمین سکنی گزیده، چنانکه خود فرمود:

«بِمَكَانَاتِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ؛ ما اگرچه در اقامتگاه خویش که دور از مساکن ظالمین است به سر می بریم».

### (و) گمنامی؛

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَمَّا وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ عَنْكُمْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَلَيُخْمَلَنَّ هَذَا حَتَّى يُقَالَ: مَاتَ، هَلَكَ، فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ؟»<sup>۲</sup> آگاه باشید، به خدا سوگند که صاحب این امر از شما غائب گردد و همانا گمنام ماند تا آنجا که گویند: او مُرد، هلاک شد، در کدام درّه گم شد؟».

۱ - بنابر بعضی از اقوال، حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت کبری، همراه با سی تن از یاران نزدیک خویش در مکانی نامعلوم اقامت دارد.

۲ - کافی: ج ۲، ص ۱۳۸، حدیث ۱۱.

### ز) راه رفتن در بازارها و پاگذازدن بر فرشهای مردم:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«برادران یوسف علیه السلام همگی نوادگان و فرزندان پیامبران بودند، با این همه اگرچه با یوسف تجارت کردند و خرید و فروش نمودند و مورد خطاب قرارش دادند، اما در عین برادری او را نشناختند تا آن زمان که خودش گفت: من یوسف هستم و این برادر من است، پس این امت نفرین شده چگونه انکار می‌کند که خدای عزوجل با حجّت خویش - امام دوازدهم - در یک زمانی همان کند که با یوسف کرد، چنانکه تا مدتی او را ببینند ولی نشناسند...».

«فَمَا تُكْرَهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ جَلًّا وَعَزًّا بِحُجَّتِهِ كَمَا فَعَلَ بِيُوسُفَ، أَنْ يَمْشِيَ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأَ بُسُطَهُمْ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ لَهُ...»<sup>۱</sup> و چگونه این امت، انکار می‌کند که خداوند عزوجل با حجّت خویش همان کند که با یوسف کرد که امام آنان در بازارهایشان راه برود و بر فرشهایشان قدم بگذارد، اما او را نشناسند تا آن زمانی که خداوند به ظهور او اجازه فرماید.»

### ح) آگاهی به حال مردم:

امیرالمؤمنین علیه السلام در منبر کوفه خطبه خواند و راجع به حجّت‌های الهی سخن گفت که یا آشکارند و مورد اطاعت قرار نمی‌گیرند، یا پنهان هستند و مورد انتظارند. سپس فرمود:

«إِنَّ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُمْ فِي حَالِ هُدُوتِهِمْ فَلَمْ يَغِبْ عَنْهُمْ قَدِيمٌ»

مَبْتُوثٌ عِلْمِهِمْ وَأَدَابُهُمْ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ، فَهُمْ بِهَا  
غَامِلُونَ؛<sup>۱</sup> اگر در حال آرامش مردم، بیکرو و شخص آن حجت‌ها از  
دیدگان مردم پنهان گردد، هرگز علم و آگاهی منتشر آنان، از حال  
مردم منقطع نگردد، بلکه آداب آنان در دلهای مردم ثابت است و  
مردم به آنها عمل می‌کنند.

و این همان است که حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ...»<sup>۲</sup> هیچ خبری از شما بر ما  
پوشیده نمی‌ماند.

\*\*\*

## □ چرایی غیبت

پرسش پیرامون علت غیبت، نه تنها پس از وقوع غیبت حضرت  
مهدی علیه السلام، بلکه حتی قبل از پیدایش ظاهری آن حضرت، در زمان  
پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان پس از او مطرح می‌شده، به گونه‌ای که در فرمایشات آن  
بزرگواران نیز، به پاسخ‌گویی آن پرداخته شده است.  
آنچه قبل از بررسی گذرای این مبحث، لازم به تذکر است، اشاره به  
ناتوانی بشر در شناخت اسرار پیچیده هستی، در همه زمینه‌هاست.  
با پیشرفت علم و دانش، انسانها روز به روز آفاق گسترده‌تری را  
فراروی خویش می‌یابند که حجم معلومات و دانسته‌های خود را در برابر  
مجهولات و امور ناشناخته آن بسیار ناچیز می‌شمارند.

۱- کافی: ج ۲، ص ۱۳۹، حدیث ۱۳.

۲- احتجاج طبرسی: توقیع شریف به شیخ مفید، ص ۵۹۸.

از انیشتین نقل شده است که انگشت خود را به آب دریا زد و گفت:

«نسبت بین آبی که انگشت مرا مرطوب ساخته به آب دریا، مثل

نسبت معلومات ما در برابر مجهولات هستی است».

منظور از این بیان، اعتراف به ناشناخته ماندن بسیاری از ابعاد غیبت و حکمت‌های آن است، به عبارت دیگر: باید پذیرفت که اگر در پاره‌ای روایات به برخی عدل و حکمت‌های غیبت دست یافتیم، هرگز به این معنا نیست که غیبت دارای علت‌های اساسی‌تر و حکمت‌های بالغه دیگر نمی‌باشد، با این همه نگاهی مختصر به برخی روایات این باب، خالی از فایده نیست:

### ۱) امتحان درجه تسلیم در برابر اراده خدا:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ، كَمَا لَا

يَنْكَشِفُ وَجْهَ الْحِكْمَةِ لِمَا آتَاهُ الْخِضْرُ مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ، وَقَتْلِ

الْغُلَامِ وَإِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عليه السلام إِلَّا وَقَّتْ افْتِرَاقَهُمَا؛<sup>۱</sup> وجه حکمتی

که در غیبت حضرت مهدی علیه السلام هست، جز بعد از ظهورش، معلوم

نمی‌گردد. چنانکه وجه حکمتی که در افعال حضرت خضر بود

نسبت به سوراخ کردن کشتی و کشتن پسرک و برپا داشتن دیوار

نیمه خراب برای حضرت موسی علیه السلام جز در وقت جدا شدن آن دو

ظاهر نگشت».

ذکر جریان ملاقات حضرت خضر و حضرت موسی علیه السلام در کلام امام صادق علیه السلام، اشاره به این نکته دارد که مأموریت حضرت موسی علیه السلام از جانب خدا برای درک حضور و همراهی حضرت خضر علیه السلام، به منظور آزمایش میزان تحمل او در برابر امور ناشناخته و درجه تسلیم او در مقابل حکمت‌های پوشیده هستی صورت گرفت.

غیبت حضرت مهدی علیه السلام نیز می‌تواند صدها حکمت پنهان داشته باشد که جز در موقع ظهور آن حضرت روشن نمی‌شوند. آنچه مطلوب است تسلیم در برابر اراده الهی است که این غیبت را تقدیر فرموده است.

## ۲) بیم از کشته شدن:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«برای حضرت قائم قبل از ظهورش غیبتی هست».

زراره گوید: پرسیدم: چرا؟ فرمود:

«يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ الدِّيْحَةَ»<sup>۱</sup> از کشته شدن خویش می‌ترسد».

از آن رو که حضرت مهدی علیه السلام آخرین امام معصوم است و همچون امامان گذشته نیست که اگر کشته شد، امامی دیگر جانشین او شود، او باید بماند تا آن زمان که شرایط لازم برای حکومت جهانی اسلام و قرآن پیش آید، قیام نماید و دنیا را از عدل و داد پر کند، مردمی که طی بیش از دو قرن ثابت کردند که هر امام هدایت را یا به شمشیر یا به زهر از بین می‌برند، بی‌گمان اگر حضرت مهدی علیه السلام غیبت نمی‌کرد، او را نیز به سرتوشت پدران بزرگوارش دچار می‌کردند، خصوصاً ملوک بنی عباس که از مدت‌ها قبل

توطئه‌ها کردند و در مقام کشتن او برآمده، و با توجه به همین دسیسه‌ها بود که خداوند عزوجل حتی ولادت حجت خویش را به صورت پنهان قرار داد. ذکر این حکمت نشان می‌دهد که تا زمان حتمی شدن قیام، هر زمان دیگری خطر کشته شدن امام علیه السلام را به همراه دارد و کشته شدن امام علیه السلام کشته شدن پیام اوست، کشته شدن اسلام است که خدا هرگز به آن رضایت نخواهد داد.

### (۳) الطاف خفیة پروردگار:

الف) خدای تبارک و تعالی به دنبال امتحانی طولانی در کیفیت برخورد مسلمانان با اولیای الهی وجود شریف حضرت مهدی علیه السلام را، در پس پرده غیبت قرار داد، از آن رو که می‌دانست اگر در چنین شرایطی او را ظاهر گرداند، از اکثر مردم، تعدیات و تجاوزات مختلفی در حق او صورت خواهد گرفت که به موجب آن، مستحق عقوبات الهی خواهند شد. پس ولی خود را از دیدگان مردم پنهان داشت تا بدین وسیله وجود و حضور او که چشمه رحمت است مایه نقتت نگردد.<sup>۱</sup>

ب) ابراهیم کرخی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: خدا امرتان را اصلاح کند، آیا علی علیه السلام در دین خدای عزوجل قوی نبود؟  
فرمود: چرا.

گفتم: پس چگونه مخالفین بر او غلبه یافتند و چرا آنان را دفع نکرد و چه چیزی او را بازداشت؟

فرمود: آیه‌ای در کتاب خدا مانع او شد.

پرسیدم: چه آیه‌ای؟

۱ - نقل با تصرف از کلام شیخ صدوق رحمته الله: کمال الدین: ج ۲، باب ۵۴، ص ۶۴۱



فرمود: «قول خداوند عزوجل: ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً﴾؛<sup>۱</sup> اگر مؤمنان و کافران از هم جدا می شدند، کافران را به عذابی دردناک دچار می کردیم».

به موجب این آیه، خداوند در اصحاب مردم کافر و منافق ودیعت‌هایی دارد که همان فرزندان صالح هستند و از نسل آنان پدید می آیند، از این رو علی علیه السلام آن پدران را نمی کشت تا آنکه ودیعت‌های الهی خارج شوند. بعد از خروج آن ودایع بود که بر هر کس از آنان غلبه می یافت او را می کشت. و چنین است قائم ما اهل بیت که ظهور نمی کند تا آنکه همه نسلهای پاک و مؤمن که ودیعت‌های خدایند، ظاهر شوند. آن زمان است که ظهور می کند و بر هر کس غلبه یابد می کشد».<sup>۲</sup>

ج) امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَا عِمَارُ! الصَّدَقَةُ وَاللَّهِ فِي السِّرِّ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ  
وَكَذَلِكَ عِبَادَتُكُمْ فِي السِّرِّ مَعَ أَمَامِكُمُ الْمُسْتَرِّ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ  
أَفْضَلُ، لِخَوْفِكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ مِنْ دَوْلَةِ الْبَاطِلِ؛<sup>۳</sup>

ای عمار! همچنان که صدقه پنهانی بهتر از صدقه آشکار است، عبادت پنهانی شما در دولت باطل در حالی که امامتان پنهان و مستور باشد، افضل و دارای ثواب بیشتر است، به خاطر ترسی که شما در دولت باطل و از دشمنانتان دارید».

۲ - کمال الدین: ج ۲، باب ۵۴، ص ۶۴۲

۱ - سوره فتح: آیه ۲۵.

۳ - همان: ص ۶۴۶

#### (۴) آماده شدن شرایط برای محو سلطه مستکبران:

حضرت مهدی علیه السلام فرموده است:

«إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي عليهم السلام إِلَّا وَقَدْ أَوْقَعْتُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةً لَطَاغِيَّةَ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيَّتِ فِي عُنُقِي؛<sup>۱</sup> هیچ کدام از پدران من: نبودند مگر آنکه بیعت طاغوت دورانش اجباراً برعهده‌اش نهاده شد، اما من در زمان ظهورم، در حالی قیام می‌کنم که بیعت و پیمان هیچ یک از طواغیت برگردنم نیست.»

حضرت مهدی علیه السلام اگر بخواهد بر طبق اراده خدا حکومتی توحیدی در همه عالم تشکیل دهد، به گونه‌ای که همه قدرت‌های حاکم را درهم شکسته و سلطه و سیطره‌اش را بر سراسر هستی گسترش دهد، لازم است که شرایطی در دنیا ایجاد شود که از همان زمان ظهور تا استقرار کامل نظام عدالت، هیچ طاغوت و مستکبری را یارای مقاومت و غلبه در برابر او نباشد.

#### (۵) آزمایش مردم در میزان ایمان به امامت:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«ذَلِكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ؛<sup>۲</sup> او - مهدی علیه السلام - کسی است که از شیعیان و دوستان خود غائب می‌گردد، غیبتی که در آن، کسی بر اعتقاد به امامت و ولایت او استوار نمی‌ماند، مگر آن کس که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده باشد.»

۲ - همان: ص ۱۰۱.

۱ - منتخب الاثر: باب ۲۸، ص ۲۶۷.

## ۶) آزمایش مؤمنان به سختی‌ها و شداید روزگار:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، أَلْتَمَسُكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ»<sup>۱</sup>

صاحب این امر - حضرت مهدی علیه السلام - غیبتی دارد که در آن هر کس

بخواهد دینش را حفظ کند مانند کسی است که بخواهد با کشیدن

دست بر شاخه‌ای خار، آن را از خار بری سازد».

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِمْتَحَنَ اللَّهُ بِهَا خَلْقَهُ»<sup>۲</sup>

به یقین، غیبت مهدی علیه السلام امتحانی از جانب خداست که بندگان

را به آن می‌آزماید».

و امام صادق علیه السلام فرمود:

«نه به خدا، قیام نخواهد کرد مگر غریبال شویید، مگر در امتحانات

تصفیه شویید، مگر نیک و بدتان از هم جدا شوند»<sup>۳</sup>.

## ۷) گناهان و عدم آمادگی مردم:

حضرت مهدی علیه السلام در بیان کیفیت بهره بردن از وجود ایشان در دوران

غیبت می‌فرماید:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِثْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِثْتِفَاعِ بِالسَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ

الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»<sup>۴</sup> اما چگونگی بهره‌وری از من در دوران غیبتم

۱ - کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۶.

۲ - اصول کافی: ج ۲، ص ۱۳۳، کتاب الحجّة.

۳ - همان: ج ۲، ص ۱۹۶، حدیث ۶ یا تلخیص.

۴ - بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۹۲، حدیث ۷، احتیاج: ص ۲۶۳.

چونان بهره بردن از خورشید است زمانی که ابرها آن را از دیدگان

مستور می‌دارند».

طبق این کلام شریف، وجه غیبت خورشید را باید در وجود ابرها جستجو کرد. خورشید به خودی خود عین ظهور است و یکسره نورافشانی و درخشش دارد. این ابرها هستند که چهره جان‌فروز آن را از دیدگان مخفی می‌کنند. و بدین‌گونه است نهانی آخرین خورشید ولایت و امامت حضرت مهدی علیه السلام که در ذات خویش جز مهربانی و لطف و عنایت نسبت به عباد الله ندارد. اما مردم با گناهان خود و با عدم آمادگی برای قبول حکومت الهی او، سبب پنهان ماندن او در پس پرده‌های سیاه ابر غیبت می‌باشند.

چنین است که شیخ طوسی رحمته الله علیه می‌فرماید:

«اما سبب غیبت امام دوازدهم ممکن نیست از جانب خدای سبحان و یا از جانب خود آن حضرت باشد، بلکه از طرف مردم و مکلفین است و جهت آن غلبه خوف - از نابودی حق - و مطیع نبودن مردم نسبت به اوست و هر موقع که این سبب زائل شود و مردم در اطاعت او بکوشند و تسلیم او باشند، ظهور واجب می‌شود».

### ۸) جریان سنت الهی:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ، وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ؛<sup>۱</sup> وجه حکمت در غیبت او، همان وجه حکمت در غیبت‌هایی است که توسط حجّت‌های الهی پیش از او صورت گرفته».

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۹۱، به نقل از علل الشرائع.

به عبارت دیگر: می‌توان وجه غیبت حضرت مهدی علیه السلام را استمرار همان سنت حکیمانه‌ای دانست که در ادوار گذشته تاریخ به غیبت بسیاری از انبیاء و اولیاء انجامیده است.

چنانکه باز هم امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ سُنَّ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام بِمَا وَقَعَ بِهِمْ مِنَ الْغَيَابَاتِ خَادِمَةٌ فِي الْقَائِمِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقِدَّةُ بِالْقِدَّةِ»<sup>۱</sup> سنت‌های پیامبران نسبت به غیبت‌هایی که برایشان پیش آمد، همگی به طور تمام و کمال در مورد قائم ما اهل بیت اتفاق می‌افتد.

\*\*\*

### □ غیبت پیامبران پیشین

عبدالله بن فضل هاشمی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «صاحب این امر را غیبتی هست که به ناچار صورت پذیرد و باطل‌گرایان همگی در آن شک کنند. پرسیدم: فدایت شوم! چرا؟ فرمود: به خاطر چیزی که بیان آن را به ما اجازه نداده‌اند». محمد بن مسلم گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم در حالی که قصد داشتم درباره قائم آل محمد علیه السلام سؤال کنم. امام علیه السلام بدون اینکه چیزی بگویم فرمود: «ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد علیه السلام شباهت به پنج پیامبر وجود دارد: یونس بن متی، یوسف بن یعقوب، موسی، عیسی و محمد علیه السلام».

اما شباهت او به یونس علیه السلام؛ به خاطر آن است که از غیبت باز می‌گردد و پس از عمری طولانی، جوان به نظر می‌رسد.

اما شباهت او به یوسف علیه السلام؛ غیبت او از خاص و عام است و پنهان بودن او از برادرانش و مشکل شدن امر او بر پدرش یعقوب علیه السلام، با اینکه مسافت بین او و پدرش و اهل بیت و شیعیانش نزدیک بود.

اما شباهت او به موسی علیه السلام؛ استمرار خوف و طولانی شدن غیبت و مخفی بودن ولادت اوست و اینکه پیروان او بعد از غیبت او با دیدن سختی‌ها و خواری‌های فراوان خسته شدند، تا آن زمان که خداوند عزوجل اجازه ظهور به او داده و یاری‌اش نموده و بر دشمنانش پیروز گرداند.

اما شباهت او به عیسی علیه السلام؛ اختلاف کسانی است که درباره او به مخالفت یکدیگر پرداختند، برخی گفتند به دنیا نیامده، گروهی گفتند مرده است، گروهی دیگر گفتند کشته شده و به دار آویخته شده است.

و اما شباهت او به جدش حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله؛ قیام به شمشیر و کشتن دشمنان خدا و پیامبر، و ستمگران و مستکبران است و اینکه او به وسیله صلاح و القاء وحشت بر دشمن غلبه می‌یابد و هیچ پرچمی از پرچمهای او بدون پیروزی بر نمی‌گردد.<sup>۱</sup>

شیخ صدوق رحمه الله در مقدمه کتاب شریف «کمال الدین» آورده است: سبب تألیف این کتاب چنان شد که در یکی از سالها، زمانی که از زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام بر می‌گشتم، در نیشابور اقامت گزیدم و آنجا اکثر کسانی که بر من وارد می‌شدند، شیعیانی بودند که امر غیبت حضرت مهدی علیه السلام آنان را به حیرت و شبهات دچار ساخته بود.

در بین آنان، یکی از مشایخ اهل فضل که مدتها در آرزوی دیدارش به سر می‌بردم و به خاطر دینداری و استقامت عقیده‌اش مشتاق زیارتش بودم، به نام «نجم‌الدین ابوسعید محمد بن الحسن بن الصلت قمی» به دیدارم آمد و روی سخن از فلاسفه و اهل منطق در بخارا به میان آورد که با شبهات خویش حیرت و شک او را در امر غیبت طولانی حضرت قائم علیه السلام برانگیخته بودند.

زمانی که جوابش را دادم و دلش آرام یافت، پیشنهاد کرد که کتابی در این باب بنویسم و من هم قول مساعد دادم. پس از این قضیه، شبی در خواب دیدم که در مکه هستم و به طواف بیت الله مشغولم و در هفتمین شوط کنار حجر الاسود آمده، آن را استلام کردم و می‌بوسیدم و می‌گفتم:

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ أَمَانَتِ

خویش را ادا کردم و پیمانم را به عهده گرفتیم، تا تو روز قیامت به

وفای آن برایم شهادت دهی.»

در همین هنگام مولایمان صاحب الزمان علیه السلام را دیدم که کنار درب خانه کعبه ایستاده است، نزدیکش رفتم و او با نگاه به چهره من، با فراست هرچه را که از دلمشغولی و اندیشه‌های متفرقه داشتم دریافت. سلام کردم، جواب فرمود: سپس پرسید: چرا کتابی درباره غیبت نمی‌نویسی تا هموم تو را کفایت کند؟ گفتم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله! درباره غیبت تصنیفات و تألیفات دارم.

فرمود: نه به آن ترتیب، بلکه از تو می‌خواهم که اینک کتابی درباره غیبت بنویسی و غیبت‌های پیامبران را در آن ذکر نمایی.

او با گفتن این سخن به راه افتاد و رفت و من دهشت زده از خواب بیدار شدم. آن شب را تا صبح به دعا و گریه و زاری و شکوه از فراقش گذراندم و صبحگاهان به عنوان امثال فرمانش تألیف این کتاب را آغاز کردم.<sup>۱</sup>

آنچه در سفارش و فرمان ولی عصر علیه السلام نسبت به ذکر غیبت‌های پیامبران در کتاب شیخ صدوق قابل دقت و بررسی است، به یقین اهمیت شناخت این غیبت‌ها در راستای آشنایی با حکمت‌های مستور در این سنت دیرپای الهی است که در احادیث معصومین علیهم السلام هم - چنانکه ذکر شد - مورد تأکید مکرر قرار گرفته است.

شیخ صدوق اولین باب‌های کتاب گرانقدر خود «کمال الدین و تمام النعمة» را، به بررسی نهان‌زیستی پیامبران علیهم السلام می‌پردازد:

□ اولین باب درباره غیبت حضرت ادریس علیه السلام است، که در ضمن حدیثی طولانی آمده است:

«ادریس در غاری از کوهی بلند، دور از چشم مردم پناه گرفت و به روزه‌داری و عبادت پرداخت. مردم پس از خروج و اختفای او مدت بیست سال به قحط‌سالی و بیچارگی مبتلا بودند، تا اینکه طی ماجرای حضرت ادریس در طلب آب و غذا از نهانگاه خویش بیرون می‌آید و مردم او را می‌شناسند و طاغوت زمانش به خواری کشیده می‌شود و او به میان مردم باز می‌گردد».<sup>۲</sup>

□ دومین باب با ذکر چهار حدیث، درباره حضرت نوح علیه السلام است، که در سومین حدیث آمده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

۲ - همان: ج ۱، باب ۱، ص ۱۲۷ - ۱۳۲.

۱ - کمال الدین: ج ۱، ص ۳ و ۴.



«زمانی که مرگ نوح علیه السلام نزدیک شد، پیروان خویش را فراخواند و به آنان گفت: بدانید که پس از من غیبتی خواهد بود که در طی آن طاغوتها به قدرت خواهند رسید، و همانا خدای تعالی به قیام کننده‌ای از فرزندان من که نامش هود است، در امر شما گشایشی پدید خواهد آورد»<sup>۱</sup>.

□ سومین باب درباره غیبت حضرت صالح علیه السلام است که در آن تنها یک حدیث از امام صادق علیه السلام نقل شده است که طی آن فرمود:

«همانا صالح علیه السلام مدتی از میان قوم خویش غائب بود، آن روز که تازه غیبت کرده بود، عاقل مردی میانسال، تنومند و زیبا اندام و با محاسنی فراوان و گونه‌هایی مناسب و قامتی متناسب بود، اما وقتی به سوی قومش بازگشت - در اثر کثرت ضعف و تغییر صورت - او را نشناختند و مردم درباره او سه دسته شدند. همانا مثل قائم اهل بیت علیهم السلام همانند صالح علیه السلام است»<sup>۲</sup>.

□ چهارمین باب درباره غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام است و در ابتدای آن آمده است:

«اما غیبت حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام شباهت به غیبت قائم ما صلوات الله علیه دارد، بلکه عجیب‌تر از آن است، زیرا خداوند عزوجل حتی در شکم مادر، اثر ابراهیم علیه السلام را مخفی گرداند و ولادتش را نیز پنهان داشت تا زمان تقدیر شده ظهور آن فرا رسد».

۱ - کمال الدین: ج ۱، باب ۴، ص ۱۳۵.

۲ - همان: ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

در این باب طی دو حدیث نسبتاً طولانی‌تر از دو نوع غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام که طی سه مرحله انجام یافت، سخن به میان آمده است. یکی در هنگام ولادت و قبل از آن، دیگری در زمانی که طاغوت مصر او را تبعید کرد، و سومین مرحله آن زمانی که برای عبرت گرفتن به تنهایی روانه سرزمین‌های دور و نزدیک شد.<sup>۱</sup>

□ پنجمین باب درباره غیبت حضرت یوسف علیه السلام است که با نقل سه حدیث، کیفیت غیبت حضرت یوسف علیه السلام و جنبه امتحان داشتن این غیبت برای حضرت یعقوب علیه السلام مطرح شده و نتیجه گرفته شده که حال شیعیان آگاه در زمان ما نسبت به امام غائب خویش همانند حال حضرت یعقوب علیه السلام است که می‌گفت: «ای فرزندان من! بروید یوسف و برادرش را جستجو کنید».

و حال ناآگاهان و معاندین در امر غیبت او همچون حال برادران یوسف است که می‌گفتند: «به خدا سوگند! تو در همان گمراهی سابق خود هستی».<sup>۲</sup>

□ ششمین باب درباره غیبت حضرت موسی علیه السلام است، در اولین حدیث از قول پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود:

«پس از حضرت یوسف علیه السلام شدت و غیبتی برای بنی اسرائیل واقع شد که چهارصد سال طول کشید، در حالی که آنان همگی منتظر قیام قائم یعنی حضرت موسی علیه السلام بودند».<sup>۳</sup>

در این باب پنج حدیث ذکر شده که طی آنها غیبت حضرت مهدی علیه السلام به غیبت حضرت موسی علیه السلام تشبیه شده است.

۱- کمال الدین: ج ۱، باب ۱، ص ۱۳۸ - ۱۴۱.

۲- سوره یوسف: آیه ۸۸

۳- همان: ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

□ هفتمین باب درباره غیبت اوصیای حضرت موسی علیه السلام تا روزگار حضرت مسیح علیه السلام است.  
و در بابهای بعدی نیز به اخباری در زمینه نهانی پیامبر اسلام و اولیاء علیهم السلام پرداخته شده است.

\*\*\*

### □ کیفیت بهره‌وری از امام غائب

جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید:

«آیا شیعیان در غیبت حضرت قائم علیه السلام از وجود او بهره‌مند می‌شوند؟ فرمود: آری! سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، آنها از او بهره‌مند می‌شوند و از نور ولایت او در دوران غیبتش کسب نور می‌کنند، همچنان که مردم از خورشید در پس پرده ابر بهره می‌برند»<sup>۱</sup>.

سؤال درباره چگونگی استفاده بردن از امام غائب علیه السلام، هم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و هم در زمان امامان بزرگوار علیهم السلام و هم در زمان غیبت صغری، توسط شیعیان تکرار شده و مضمون حدیث فوق، در اکثر آنها به عنوان پاسخ ذکر شده است. چنانکه خود امام زمان علیه السلام فرمود:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِثْفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالْإِثْفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»<sup>۲</sup> اما چگونگی بهره بردن از من در دوران غیبتم مانند بهره بردن از خورشید است در زمانی که ابرها آن را از دیدگان مردم می‌پوشانند».

علامه مجلسی رحمته الله علیه در وجه تشبیه امام غائب علیه السلام به خورشید در پس ابر، مواردی را ذکر می‌کند:

۱- نور وجود و علم و هدایت، به واسطه آن حضرت علیه السلام به خلائق می‌رسد، چنانکه در اخبار متعدد روایت شده که او و سایر اهل بیت علیهم السلام علت ایجاد خلق هستند و به برکت آنان است که علوم و معارف بر مردم آشکار شده و بلاها رفع می‌شود.

۲- چنانکه مردم از خورشید در پس ابر استفاده می‌برند و با این همه به خاطر بهره بردن بیشتر هر لحظه انتظار برطرف شدن ابرها را دارند، شیعیان مخلص در هر زمان منتظر ظهور و قیام او هستند.

۳- منکر وجود حضرت مهدی علیه السلام، با این همه آثاری که در غیبت از او ظاهر می‌شود، مثل انکارکننده وجود خورشید در پس پرده ابر است.

۴- چنانکه نهان شدن خورشید در پس ابرها گاهی بهتر از آشکار شدن آن است، می‌توان گفت: در دوران غیبت برای شیعه، پنهان ماندن آن حضرت مفیدتر و بهتر است.

۵- همانطور که نظرکننده به خورشید، چه بسا با نبودن ابر دچار کوری شود، چه بسا خورشید وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام هم اگر ظاهر باشد برای بصیرت شیعیان ضرر داشته باشد و سبب کوری آنان از دیدن حقیقت شود، اما همین بصیرتها می‌تواند تحمل ایمان به او در دوره غیبت را داشته باشد، چنانکه انسان به خورشید در پشت ابرها می‌نگرد و زیان نمی‌بیند.

۶- خورشید گاهی از پرده ابر خارج می‌شود و بسیاری از مردم آن را می‌بینند، به همین ترتیب ممکن است که آن حضرت هم در روزگار غیبت برای بعضی مردم بروز کند.

۷- اهل بیت علیهم السلام در شمول منافع چونان خورشیدند، پس همانطور که انسان کور، خورشید را چه ظاهر و چه در پس ابر نمی بیند، کوریاطنان هم خورشید وجود امام غایب را نمی بینند.

«مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا»<sup>۱</sup> و هر کس در این دنیا کور باشد در آخرت نیز کور خواهد بود، بلکه زیانکارتر و گمراه تر!.

۸- چنانکه نور خورشید در هر خانه‌ای به مقدار وجود روزنه‌ها و پنجره‌ها می‌تابد و به مقداری که موانع را از جلوی نور برداشته باشند، خانه را روشن می‌کند. به همین ترتیب مردم به اندازه‌ای که موانع معرفت همچون شهوات نفسانی و تعلقات جسمانی را از فکر و اندیشه خود برداشته و به میزانی که پرده‌های تاریک مادی را از روی دل خود کنار زده باشند، می‌توانند از نور هدایت حضرت مهدی علیه السلام و اهل بیت استفاده ببرند، تا امر به آنجا برسد که مانند شخصی شود که زیر آسمان بدون ابر قرار گرفته که بدون هیچ حجابی پرتو خورشید او را از هر طرف احاطه کرده باشد. علامه مجلسی به دنبال این نکات می‌فرماید:

«از این بهشت روحانی هشت در را به رویت گشودم، در حالی که خداوند هشت باب دیگر را نیز به فضل خویش بر من گشوده است، لکن عبارت را از ذکر آنها ناتوان می‌بینم. چه بسا که خداوند در باب معرفت اهل بیت علیهم السلام هزار در بر ما بگشاید که از هر دری هزار در دیگر گشوده شود»<sup>۲</sup>.

\*\*\*

## □ وظیفه شیعیان در دوران غیبت

شدت فتنه‌ها و کثرت ابتلائات و فزونی مشاگل و انحرافات در دوره غیبت حضرت مهدی علیه السلام اقتضا می‌کند که ایمان آوردگان و پیروان ولایت همواره بر حذر بوده، و نسبت به عقیده و عمل خویش مراقبت بیشتری داشته باشند. در این باب، نکاتی چند از کلام معصومین علیهم السلام دقت و تعمق بیشتری می‌طلبد:

### الف) تمسک به ریسمان ولایت:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ؛

زمانی بر مردم فرا رسد که پیشوایشان غایب گردد».

زراره پرسید: در آن زمان مردم چه کنند؟ فرمود:

«يَتَمَسَّكُونَ بِالْأَمْرِ الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ؛<sup>۱</sup>

به همان امر ولایت که دارند چنگ زنند تا برایشان تبیین شود».

و در کلام دیگر فرمود:

«طُوبَى لَشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا؛<sup>۲</sup>

خوشا به حال شیعیان ما! آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان

ولایت ما تمسک می‌جویند».

راستی در آن زمان که امام و پیشوای مردم، در دسترس آنان نباشد و

دام‌های شیطان برای جدا کردن آنان از ولایت اهل بیت علیهم السلام که همان

صراط مستقیم خداست، در همه جا پراکنده شده باشد، چه وسیله‌ای

۱ - کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۵۰.

۲ - همان: ج ۲، باب ۳۴، ص ۳۶۱.

مطمئن تر از «حبل ولایت» می توان یافت که بتواند از «افتادن به چاه ضلالت» و «گرفتار شدن به دام انحراف» جلوگیری کند؟! <sup>۱</sup>

### ب) تمسک به تقوا:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ؛ <sup>۱</sup>

به یقین صاحب این امر را غیبتی هست، پس هر بنده ای باید به

تقوای الهی روی آورد و به دینش چنگ زند.»

همین تقواست که روشن بینی و رزق بی حساب و گشایش الهی را نصیب انسان می سازد، و همین تقواست که در لحظه های خوف و خطر دل را آرامش می دهد، و همین تقواست که در دوران فتنه خیز غیبت مایه رستگاری انسانهاست.

### ج) طلب معرفت:

زراره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: اگر زمان غیبت فرزندت

مهدی علیه السلام را درک کردم چه کنم؟

فرمود: این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ،

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ،

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ <sup>۲</sup>

خدایا خودت را به من بشناسان که اگر تو خودت را به من

نشناسانی، پیامبرت را نتوانم شناخت. خدایا پیامبرت را به من

۱- کافی: ج ۲، ص ۱۳۲، باب فی الغیبة.

۲- همان: ص ۱۳۵.

بشناسان که اگر تو پیامبرت را به من شناسانی، حجّتت را نتوانم شناخت. خدایا حجّت خود را به من شناسان که اگر تو حجّتت را به من شناسانی، از دینم گمراه خواهم شد».

۱- معرفت‌ها را از خدا باید طلبید.

۲- شناخت پیامبر ﷺ تابع شناخت خدا، و شناخت حجّت متفرّع بر شناخت پیامبر ﷺ است.

۳- اگرچه بدون شناخت خدا و پیامبر ﷺ، شناخت حجّت ممکن نیست، اما گمراهی از دین در اثر عدم شناخت حجّت لازم می‌آید. به عبارت دیگر: عدم گمراهی از دین بدون شناخت حجّت تضمین نمی‌شود. و بدیهی است که هر دعایی، تنها پشتوانه حرکت به حساب می‌آید، اصل دعا ابراز نیاز درونی و طلب تأیید الهی در حرکت بیرونی است. نیاز به معرفت که احساس شد و حرکت برای کسب معارف که توسط بنده آغاز گردید. اگر دل با خدا باشد و گام در راه او قرار گیرد، وصول به معرفت تضمین شده است.

﴿قُلْ مَا يَعْبُو رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾<sup>۱</sup>

بگو! اگر دعای شما نباشد، پروردگار من به شما عنایتی نکند».

(د) تقیه به عنوان سلاح مقاومت:

امام رضا علیه السلام فرمود:

«لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ، وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ، فَقِيلَ لَهُ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِلَى مَتَى؟ قَالَ: إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، وَهُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ»<sup>۲</sup>



کسی که از گناه نپرهیزد دین ندارد، و کسی که تقیه نداشته باشد ایمان ندارد، همانا گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که به تقیه بیشتر و بهتر عمل کند».

گفته شد: ای فرزند رسول خدا! تا کی؟!۱

فرمود: تا روز وقت معلوم، که همان روز ظهور و زمان قیام قائم ما اهل بیت است.

تقیه هرگز به معنای دم فرو بستن و بی تفاوت ماندن و بنا به مصلحت اصطلاحی رفتار کردن و نان به ترخ روز خوردن نیست.

تقیه هرگز به معنای دست کشیدن از آرمانها و همراه شدن با هر کس و ناکس نیست. تقیه ای که از وظایف شیعیان در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده و ارزشی هم سنگ با تقوا دارد و عدم رعایتش مساوی با بی ایمانی شمرده شده، نوعی سلاح مقاومت است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیات (۹۵ تا ۹۷) سوره کهف که درباره بنای سدّ توسط ذوالقرنین است و طئی آنان از سدّی بلند که دشمنان نتوانند بر فرازش روند و از شکافتش ناتوان باشند، حکایت شده است. می فرماید:

«إِذَا عَمَلْتَ بِالتَّقِيَّةِ لَمْ يَقْدِرُوا لَكَ عَلَى حِيلَةٍ وَهُوَ الْحِصْنُ الْحَصِينُ وَضَارَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ سَدًّا لَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُ تَقْبًا»<sup>۱</sup> هنگامی که به تقیه عمل کنی چاره ای علیه تو نمی یابند، و نمی توانند با تو نیرنگ یازند، و آن به مانند دژی استوار و محکم است و بین تو و دشمنان خدا سدّی نفوذ ناپذیر ایجاد می کند».

۱ - تفسیر نورالثقلین: ج ۳ ذیل آیه شریفه، حدیث ۲۳۲.

پس تقیه، چاره‌ای برای در امان ماندن از دشمن مقتدر و فرصتی برای قدرت یافتن خویش است تا نیروها بیهوده هدر نروند و در موقع مناسب توان ضربه زدن به دشمن را داشته باشند.

### ه) انتظار آگاهانه:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَأَرْضِي مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا  
اِفْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَلَمْ يَعْلَمُوا مَكَانَهُ وَهُمْ فِي  
ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّةَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَلَا مِيثَاقَهُ، فَعِنْدَهَا  
فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَمَسَاءً...<sup>۱</sup> زمانی که بندگان به خدای بزرگ  
نزدیک شوند و خدا از ایشان بیشتر راضی است، زمانی است که  
حجّت خدای تعالی از میان آنان ناپدید گردد و ظاهر نشود و آنان  
جایش را هم ندانند، با این همه بدانند که حجّت و میثاق خدا از  
بین نرفته و باطل نشده است. در آن حال، در هر صبح و شام چشم  
انتظار فرج باشید.»

فضیلت بندگان خدا در این زمان و رضایت بیشتر خداوند از آنان، بدین  
جهت است که آنان بی آنکه امام خویش را ببینند و معجزاتش را مشاهده  
کنند و در خیرتها به در خانه‌اش پناهنده شوند، تنها با اعتماد به خدا و  
پایبندی به تقوا و دوستی اهل بیت، میثاق الهی را نگاهبانی کرده و مرزهای  
عقیده را پاس می‌دارند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَا أَبَا بَصِيرٍ! طُوبَى لَشَيْعَةٍ قَائِمِينَ الْمُتَنظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ

وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ  
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛<sup>۱</sup> ای ابوبصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما که  
در دوران غیبت او در انتظار ظهورش به سر می‌برند و در دوران  
ظهورش به اطاعت او روی می‌کنند، آنان اولیای خدا هستند که هیچ  
ترس و اندوهی بر ایشان نیست».

با هم آمدن دو وصف «انتظار در غیبت» و «اطاعت در ظهور» برای  
شیعیان حضرت قائم<sup>علیه السلام</sup> نشان دهنده نوعی ملازمت بین آن دو وصف  
است. به این معنا که شیعیان منتظر در دوران غیبت چنان امام خود را  
شناخته و در اطاعتش می‌کوشند که اگر دوران ظهور تحقق می‌یافت، در  
زمره مطیعین حقیقی او بودند.

### (و) حزن و اندوه بر مصائب غیبت و دعا برای ظهور:

سدیر صیرفی گوید: با برخی از اصحاب بر امام صادق<sup>علیه السلام</sup> وارد شدیم،  
او را نشسته بر خاک دیدیم در حالی که عبایی خشن با آستین کوتاه پوشیده  
و با قلبی سوخته، همچون منادر فرزندان از دست داده می‌گریست، رنگ  
چهره‌اش تغییر کرده و اندوه از گونه‌های مبارکش پیدا بود و اشکهایش  
لباسش را خیس کرده بود و ناله می‌کرد:

«مولای من! غیبت تو خواب را از چشمانم ربوده و زمین را بر من تنگ  
نموده و آسایش دلم را از من گرفته است!»

مولای من! غیبت تو بلا و مصیبت مرا به فاجعه‌های ابدی پیوند داده و  
از دست دادن یاران، یکی پس از دیگری، اجتماع و شماره ما را از بین برده،  
هنوز سوزش اشکی که از چشمم می‌ریزد و ناله‌ای که از دلم برمی‌نخیزد با

یاد بلاها و سختی های - دوران غیبت تو - پایان نیافته که درد و رنج شدیدتر و دردناک تری در برابر دیدگانم شکل می گیرد!»

سدر گوید: شگفت زده پرسیدیم: این ماتم و گریه برای چیست؟

امام صادق علیه السلام آهی عمیق و سوزناک کشید و فرمود:

ای وای! صبح امروز در کتاب جعفر نظر می کردم و درباره ولادت و غیبت طولانی و طول عمر قائم ما و بلاهای مؤمنین در آن زمان و ایجاد شک و تردید در اثر طول غیبت و ارتداد اکثریت مردم از دین و خروج آنان از تعهد به اسلام تأمل و دقتی داشتم، در اثر آن، رقت مرا فرا گرفت و حزن و اندوه بر من چیره شد.<sup>۱</sup>

وقتی حال امام صادق علیه السلام - که حدود یکصد سال قبل از آغاز دوره غیبت می زیسته است - چنین باشد، باید دید حال سرگشتگان دوران غیبت و دورماندگان از چشمه زلال ولایت چگونه باید باشد. بیهوده نیست که در هر مناسبتی شادی آفرین یا غمبار، سفارش به قرائت دعای ندبه شده ایم که حدیث اشک و سوز دل منتظران مهدی علیه السلام است. و بی مورد نیست که این چنین بر دعا برای فرج در زمان غیبت تأکید شده است.

امام زمان علیه السلام می فرماید:

«أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ»<sup>۲</sup>

برای نزدیک شدن ظهور و فرج بسیار دعا کنید».

\*\*\*

۱ - کمال الدین: ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۵۳ با رعایت کمی اختصار.

۲ - احتجاج: ج ۲، ص ۲۸۴.

## سنت انتظار

از آن زمان که پیامبر ﷺ سخن از جهانی شدن آیین توحید به دست حضرت مهدی علیه السلام به میان آورد و نوید غلبه اسلام بر تمامی ادیان را به مسلمانان داد، و بهترین عبادت را انتظار فرج اسلام و مسلمین به حساب آورد،<sup>۱</sup> مسلمانان دیده انتظار به راه دولت کریمه ای دوختند که در آن اسلام و اسلامیان عزت می یابند و کفر و نفاق به ذلت و زبونی گرفتار می آیند.<sup>۲</sup>

در دوران پس از پیامبر ﷺ نیز، هر زمان که فتنه خلفای جور شدت می گرفت، پیشوایان معصوم علیهم السلام می کوشیدند با انگیزش انتظار، امید را در دل های ستمدیدگان زنده نگه دارند و شور مقاومت و مبارزه را در وجودشان برانگیزانند.

چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به اصحاب خویش می فرمود:

«إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ (إِلَى أَنْ قَالَ): الْأَخْذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ وَالْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۳</sup>

چشم انتظار فرج باشید و از یاری و رحمت خدا ناامید نشوید، به یقین محبوب ترین کارها در نزد خدا انتظار فرج است. (تا آنجا که فرمود:) کسی که به امر ولایت ما چنگ زند، فردای قیامت در روضه رضوان با ما خواهد بود و کسی که در انتظار امر ما به سر ببرد، مانند کسی است که در راه خدا به خون غلطیده باشد».

۱- ینابیع المودة: ص ۴۹۴ و ۴۹۵.

۲- اللهم إنا نرغب إليك في دولة كريمة تعز بها الإسلام وأهله وتذل بها النفاق وأهله - دعای افتتاح.

۳- منتخب الأثر: فصل ۱۰، باب ۲، ص ۴۹۸.

تأکید بر امر انتظار فرج از طرف پیشوایان دین، تا آنجا بود که بسیاری از اصحاب، شرایط موجود زمان خود را برای حصول فرج کافی دانسته، امام آن دوران را به عنوان صاحب الامر می‌پنداشتند و در این باره از او سؤال می‌کردند. چنین توهمی در دهها روایت، از جمله روایت شعیب بن ابی حمزه در برابر امام صادق علیه السلام و ریان بن الصلت در برابر امام رضا علیه السلام مطرح گردیده که می‌پرسد: أنت صاحب الأمر؟<sup>۱</sup>

و نیز در همان زمانها، کسانی از موالیان اهل بیت علیهم السلام بودند که بر سنت انتظار فرج آن چنان پافشاری می‌کردند که به ترک کسب و کارشان می‌انجامید، به طور نمونه می‌توان از شخصی به نام عبدالحمید واسطی نام برد که خدمت امام محمد باقر علیه السلام می‌رسد و می‌گوید:

«أَصْلَحَكَ اللهُ، لَقَدْ تَرَكْنَا أَسْوَاقَنَا إِنْتِظَاراً لِهَذَا الأَمْرِ؛ خدایا امرت را

اصلاح کند، ما به خاطر انتظار این امر، کار و کسب خویش در بازارها را رها کرده ایم».

امام باقر علیه السلام به عنوان تأیید و تصدیق موضع منتظرانه او می‌فرماید:

«يَا عَبْدَ الحَمِيدِ! أَتَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ، لَا يَسْجَعُلُ

اللهُ لَهُ مَخْرَجاً؟ بَلَى، وَاللهِ لَيَجْعَلَنَّ لَهُ مَخْرَجاً؛<sup>۲</sup> ای عبد الحمید! آیا

به نظر تو کسی که خودش را وقف برای خدای عزوجل نموده باشد،

خداوند برایش فرج و گشایشی حاصل نمی‌فرماید؟ چرا، به خدا

سوگند که حتماً برای او گشایش و رهایی قرار می‌دهد».

۱ - منتخب الاثر: ص ۲۲۱ و ۲۴۹ و سایر ابواب.

۲ - کنال الدین: ج ۲، باب ۵۵، ص ۶۴۴.

سنت انتظار در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام به حق جلوه‌ای ویژه دارد. منتظران حقیقی این دوران، هیچ شبی را بدون حالت انتظار به صبح نرساندند، انتظار تا آنجا که شمشیر بر زیر بستر خود می‌نهادند تا اگر فردا روز ظهور باشد، بی‌درنگ به یاری مولایشان بشتابند.

\*\*\*

### ولایت فقیه

ولایت فقیه پرتوی از ولایت امام زمان علیه السلام، و ولایت امام زمان علیه السلام پرتوی از ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرتوی از ولایت الله جل و علا است.

از دیدگاه مکتب توحید، مالک همه چیز و همه کس خداست و همچنین مالکیت مطلقه او منشأ حاکمیت مطلقه اوست. از این رو، بنا بر اعتقاد موحدان، هر حکومتی باید از حکومت الله سرچشمه گیرد و بر اساس اراده و اجازه او تشکیل شود.

آن زمان که خداوند پیامبرانش را برای هدایت انسانها فرستاد، حق زمامداری آنان را نیز امضا فرمود و همگان را به تبعیت و فرمان‌بری آنان در همه زمینه‌ها دعوت نمود.

درباره پیامبر گرامی اسلام فرمود:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ

لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾<sup>۱</sup>

قسم به پروردگار تو! این مردم مؤمن واقعی نخواهند بود، مگر آنکه

حکومت و داوری تو را در همه موارد مورد اختلاف خویش بپذیرند، سپس نسبت به رأی و قضاوت تو - حتی اگر مخالف منافع آنان باشد - کاملاً تسلیم باشند و حتی در درون دل خویش، هیچ گونه نارضایتی و تاراحتی احساس نکنند».

و نیز در همین باره فرمود:

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»<sup>۱</sup> - در رعایت مصالح فردی و اجتماعی ایمان آوردگان - ولایت پیامبر ﷺ بر جان و مال آنان بالاتر و بیشتر از ولایت خود آنان است».

بدیهی است که این ولایت با رحلت پیامبر ﷺ پایان نمی پذیرد و حفظ حدود اسلام و استقرار نظام مسلمین که حکمت امضای چنین ولایتی برای آن حضرت ﷺ بود، پس از او نیز استمرار می یابد، و بدین طریق ائمه بزرگواری که وارثان تمام شوون پیامبر - غیر از نبوت - می باشند، عهده دار این ولایت و حاکمیت به حساب می آیند.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَخِلَافَةُ رَسُولِهِ ﷺ وَمَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَخِلَافَةُ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ﷺ. إِنَّ الْإِمَامَ رِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ، الْإِمَامُ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَفَرْعُهُ السَّامِي. بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ وَتَوْفِيرِ الْفِيءِ وَالصَّدَقَاتِ وَإِمْضَاءِ الْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَمَنْعِ الصُّغُورِ وَالْأَطْرَافِ؛<sup>۲</sup> به راستی امامت، خلافت خدا و خلافت



رسول خدا ﷺ و مقام امیر المؤمنین علیؑ و خلافت حسن و حسینؑ است. به راستی امام، زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. امام، بنیاد رشد کستنده اسلام و شعبه والای آن است. به وسیله امام است که نماز و زکات و روزه و حج و جهاد شکل می‌گیرند و کمال می‌یابند و خراج و صدقات فزونی می‌پذیرند و حدود و احکام الهی اجرا می‌شوند و مرزها و جوانب مملکت اسلامی محفوظ می‌مانند».

در این دوران، می‌توان امام زمان حضرت مهدیؑ که از جانب خدا و به تبعیت از پیامبر دارنده همه شؤونات مذکور است، در پس پرده غیبت به سر می‌برد و از سوی دیگر تردیدی نیست که با غیبت آن بزرگوار، خداوند حکیم پیروان او و امت بزرگ اسلام را بی‌سرپرست و بلا تکلیف نمی‌پسندد. پس یا باید پذیرفت که خداوند امر تعیین حاکم و ولی امر را مطلقاً بر عهده خود مردم و انبیا است که ممکن نیست. چون شرایط غیبت حکمت‌های جعل حاکم و ولی امر الهی را تغییر نداده، بلکه آن را ضروری‌تر می‌سازد، و خدایی که در دوران حضور پیامبر ﷺ و امام علیؑ مردم را بی‌رهبر و سرپرست نپسندیده، و انبیاگی آنان را در زمان غیبت امضا نمی‌فرماید.

و یا باید قبول کرد که در دوران غیبت نیز اشخاصی با بهره‌گیری از ولایت الهی و حق حاکمیت پیامبر و امام، در چهارچوبه کلمات راه‌گشا و فرمایشات مسؤلیت‌بخش خود آن بزرگواران، حق ولایت و وظیفه سرپرستی مسلمین را بر عهده دارند.

اسحاق بن یعقوب از امام زمان علیه السلام ظنی نامه‌ای می‌پرسد که به هنگام غیبت شما در حوادثی که روی می‌دهد به چه کسی مراجعه کنیم؟ فرمود:

«أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> در حوادث و رویدادهایی که برایتان پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدایم.»

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِعًا لِنَفْسِهِ خَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ؛<sup>۲</sup> هر فقیهی که نگهدارنده نفس - از انحرافات و لغزشها - و حفظ کننده دین و مخالف با هواهای نفسانی و مطیع امر مولای خویش باشد، بر عامه مردم است که تقلید کننده - و تابع - او باشند.»

و امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَنْظُرُ إِنْ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي خَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ حَاكِمًا؛<sup>۳</sup> آنان که با هم اختلافی دارند باید بنگرند و یک نفر از بین شما را که راوی حدیث ما و صاحب نظر در حلال و حرام باشد و احکام ما را بشناسد، شناسایی کنند و او را حکم قرار دهند، زیرا من او را حاکم بر شما قرار دادم.»

۲- سفینه البحار: ج ۲، ص ۳۸۱.

۱- وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۳- وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۹۹.

ساده‌اندیشانه خواهد بود اگر کسی بگوید دایرهٔ این «حجت قرار گرفتن» و «لزوم تبعیت و تقلید» و «جعل حاکمیت» فقط منحصر در اختلافات شخصی دو نزاع‌کننده یا پاره‌ای فروع فقهی می‌باشد، و امام زمان علیه السلام و سایر امامان بزرگوار در این فرمایشات به امر مهم حکومت و راهبری اجتماع بر اساس قواعد اسلام و قرآن نظری نداشته و تشکیل حکومت اسلامی و کیفیت پیاده شدن احکام اجتماعی این دین مبین را، در این احادیث و نظایر آنها نادیده گرفته و دست فتنه‌پردازان دورهٔ غیبت را در بازیچه قرار دادن نظام اسلام و مسلمین کاملاً باز قرار داده‌اند!

امام راحل رضی الله عنه در مبحث ولایت فقیه از «کتاب البیع»، بعد از نقل و بررسی دهها دلیل و روایت معتبر می‌فرماید:

از آنچه بیان شده نتیجه می‌گیریم که فقهاء از طرف ائمه علیهم السلام در جمیع آنچه در اختیار آنان بوده است، دارای ولایت هستند، مگر دلیلی بر اختصاص امری خاص به معصوم علیه السلام اقامه شود که در آن صورت این اصل کلی استثناء می‌خورد...

ما قبلاً گفتیم همه اختیاراتی که در خصوص ولایت و حکومت برای پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام معین شده است، عیناً برای فقیه نیز معین و ثابت است. اما اگر ولایتی از جهت دیگر غیر از زمامداری و حکومت برای ائمه علیهم السلام معین و دانسته شود، در این صورت فقهاء از چنین ولایتی برخوردار نخواهند بود. پس اگر بگوییم امام معصوم علیه السلام راجع به طلاق دادن همسر یک مرد یا فروختن و گرفتن مال او - گرچه مصلحت عمومی هم اقتضا نکند - ولایت دارد، این دیگر در مورد فقیه صادق نیست و او در این امور ولایت ندارد، و در تمام دلایل که پیش‌تر راجع به ولایت فقیه

گفتیم، دلیلی بر ثبوت این مقام برای فقها وجود ندارد، چنان‌که در کلام امام  
راحل رحمته اشاره شده، ولایت فقیه با همه گستردگی‌اش در حیطة حفظ  
مصلحت عمومی جامعه اسلامی شکل می‌گیرد.

به عبارت دیگر: فقیه جامع الشرایط در هر شرایط زمانی و مکانی و  
اجتماعی باید راهی را برگزیند که مکتب و مقررات آن بهتر اجرا شود، و به  
تعبیر فقها باید «غیبة مسلمین» را رعایت نماید، به این معنا که در همه امور  
باید آنچه را که بیشتر به صلاح اسلام و مصلحت مسلمین است اختیار کند.  
از همین دیدگاه است که در حکومت اسلامی دوران غیبت، تشکیل  
قوای سه‌گانه قانون‌گذاری، قضایی، اجرایی و نهادهای نظارتی از طرف  
فقیه ضرورت می‌یابد و با همه اختیاراتی که ولی فقیه در اداره اجتماع دارد،  
باز هم مراجعه به آرای مردم در اموری چون تعیین رئیس جمهور و نواب  
مجلس و غیره معنا پیدا می‌کند.

\*\*\*

بخش سوم  
ظهور

## ظهور حضرت مهدی علیه السلام

### □ مقدمات ظهور

بدون شک پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام علامات و نشانه هایی پدید خواهد آمد که طی روایات زیادی از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام تا زمان خود مولا امام زمان علیه السلام بر آنها تأکید می شده است.

### الف) پدیده‌ها

برخی از این نشانه‌ها مربوط به پدیده‌های طبیعی است: همچون بروز طاعون، خشکسالی، کسوف و خسوف در رمضان.

و برخی دیگر مربوط به پدیده‌های اجتماعی می‌باشد: مانند بروز جنگهای متعدد، خروج سفیانی، فساد اجتماعی.

و دسته‌ای دیگر پدیده‌های غیر طبیعی ویژه‌ای است: چون صیحه آسمانی، سرخی آتش‌گونه‌ای در آسمان، فرو رفتن لشکری در زمین.

### ب) اختصاص به زمان

برخی از این نشانه‌ها اختصاص به زمان خاصی ندارد و ممکن است سالها بلکه دهها سال قبل از ظهور اتفاق بیفتد، اما برخی دیگر از آنها اختصاص به سال ظهور دارد. چنانکه در روایتی از قول امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

«قبل از قیام قائم علیه السلام پنج واقعه رخ می دهد: قیام یمانی، خروج سفیانی

ندای آسمانی، فرو رفتن لشکر در بیداء و کشته شدن نفس زکیه».

و در حدیثی دیگر فرمود:

«لَيْسَ بَيْنَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَقَتْلِ نَفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَةٌ عَشْرَ لَيْلَةً»

بین ظهور قائم آل محمد علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده

شب فاصله نیست».

### ج) نشانه‌های قطعی و غیر قطعی

بعضی از این نشانه‌ها قطعی و حتمی است و برخی دیگر نشانه‌های غیر قطعی به شمار آمده‌اند که در تعیین این جهت، بین روایات این باب اختلاف وجود دارد.

قابل تذکر اینک علیرغم بحث‌های جنجالی و اختلاف آفرینی که گاهی بر سر بروز پاره‌ای نشانه‌ها و مقدار دلالت آن بر نزدیک شدن ظهور خجسته مولا امام زمان علیه السلام پیش می آید، باید توجه داشت که:

اولاً: هیچ کس حق ندارد با استناد به نشانه‌ای خاص که به نظر او یقیناً از علامات ظهور شمرده می شود، وقتی خاص را برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام تعیین نماید؛ زیرا در آن صورت به تصریح خود مولا، مشمول «كذب الوقاتون» شده و در هر رتبه علمی و اجتماعی هم که باشد، باید مورد تکذیب قرار گیرد.

ثانیاً: آنچه اهمیت دارد حفظ آمادگی مردم برای ظهور امام زمان علیه السلام است به گونه‌ای که هر صبح و شام آمادگی داشته باشند که اگر امر فرج امضاء شد، بتوانند به یاری او قیام کنند و در راه اهداف الهی او از مال و جان و امکانات خویش درگذرند.

به عبارت دیگر: حتی در صورتی که بر فرض، هیچ نشانه‌ای بر قرب ظهور دلالت نکند، نمی‌توان غافلانه به زندگی عادی پرداخت و از وظیفه‌هایی که شیعه و همه مردم نسبت به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام دارند، غفلت کرد.

ثالثاً: نظام جمهوری اسلامی در ایران، بهترین زمینه را برای آزمایش منتظران در کیفیت یاری‌رسانی به امام عصر علیه السلام فراهم کرده است، لذا بر همه منتظران حقیقی امام زمان علیه السلام است که همه امکانات خویش را در حفظ این نظام و تضمین بقای آن، در راستای احکام و قرآن و ولایت بکار گیرند. رابعاً: میزان پابندی کسانی که همواره دم از امام زمان علیه السلام می‌زنند و بر اثبات فلان نشانه ظهور و حکایت فلان دیدار یا مولا کتابها می‌نویسند، باید فداکاری آنان در هدایت اجتماعی و برقراری عدالت و مسئولیت‌پذیری آنان در این راه اثبات شود.

\*\*\*

### □ نگاهی به دوران پس از ظهور

دوران پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، بدون شک والاترین، شکوفاترین و ارجمندترین فصل تاریخ انسانیت است. دورانی که وعده‌های خداوند در خلافت مؤمنان و امامت مستضعفان و وراثت صالحان عملی می‌گردد، و جهان با قدرت الهی آخرین پرچمدار عدالت و توحید، صحنه شکوه‌مندترین جلوه‌های عبادت پروردگار می‌شود. در احادیث مختلف، گوشه‌هایی از عظمت آن دوران به تصویر کشیده شده است:



## ۱ - حاکمیت اسلام در سراسر هستی

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه از قرآن کریم:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً»<sup>۱</sup>؛ با آنان بجنگید تا زمانی که فتنه نماند و دین تماماً برای خدا باشد.

چنین می فرماید:

«تأویل این آیه هنوز نیامده است، پس زمانی که تأویل آن فرا رسد، آن قدر از مشرکین کشته می شوند تا بقیه خدای عزوجل را به آیین توحید پرستش نمایند و هیچ آثاری از شرک باقی نماند، و این امر در قیام قائم ما تحقق خواهد یافت».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»<sup>۲</sup> زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، هیچ سرزمینی نمی ماند مگر اینکه ندای شهادتین - لا إله إلا الله و محمد رسول الله - در آن طنین اندازد».

## ۲ - اقامه کامل حدود الهی

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»<sup>۳</sup> با

اشاره به قیام حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«مراد این نیست که خداوند زمین را با باران زنده می کند، بلکه خداوند مردانی را برمی انگیزد که زمین را با احیای عدالت و اقامه حدود الهی زنده می سازند»<sup>۴</sup>.

۱ - سوره انفال: آیه ۳۹.

۲ - بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۴۰، به نقل از تفسیر عیاشی.

۳ - سوره حدید: آیه ۱۷.

۴ - مکیال المکارم: ج ۱، ص ۸۱.

### ۳- احیای قرآن و معارف قرآنی

امیر المؤمنین علیه السلام با اشاره به قیام حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:  
«كَانَنِي أَنْظَرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَقَدْ ضَرَبُوا الْقَسَاطِيطَ  
يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُتِرِلَ؛ أَكُوبَا شِيعِيَانِ مَا أَهْلَ بَيْتِ رَا  
مِي بِيْنِمِ كِه دَر مَسْجِدِ كُوفِه گَرْدِ اَمْدِه وَ خِيْمِه هَائِي زْدِه اَنْدِ وَ دَر اَنْهَآ  
قُرْآن رَا اَنْجَنَانِ كِه نَازِلِ شْدِه اَسْتِ بِه مَرْدَمِ مِي اَمُوزَنْدِ».

مولا علی علیه السلام در خطبه‌ای دیگر، درباره عملکرد حضرت مهدی علیه السلام

پس از ظهور فرمودند:

«يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَيَعْطِفُ  
الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛<sup>۱</sup> اَنْ هَنْگَامِ كِه  
مَرْدَمِ هِدَايْتِ رَا تَايِعِ هَوَايِ خُوِيْشِ قَرَارِ دَاْدِه بَآشَنْدِ، اَوْ مِي اَيِدِ وَ  
خَوَاسْتِه هَائِي نَفْسَانِي رَا بِه تَبْعِيْتِ اَز هِدَايْتِ مِي كِشَانْدِ. وَ اَنْ زَمَانِ كِه  
مَرْدَمِ قُرْآنِ رَا مَطَابِقِ نَظَرِ وَ رَأْيِ خُودِ تَوْجِيْهِ كَرْدِه بَآشَنْدِ، اَوْ مِي اَيِدِ وَ  
رَأْيِ وَ اَنْدِيْشِه رَا بِه خَدْمْتِ قُرْآنِ مِي گِيْرْدِ وَ اَنْ رَا دَر مَطَابِقْتِ بَا قُرْآنِ  
شَكْلِ مِي بَخْشْدِ».

### ۴- گسترش عدالت و رفع ستم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ إِذَا ظَهَرَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا  
وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛<sup>۲</sup> مَهْدِي علیه السلام اَز فَرْزَنْدَانِ مَنِ اَسْتِ.

۱- بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۳۶۴.

۲- نهج البلاغه: صبح صالح، خطبه ۱۴۸، ص ۱۹۵، قطع جیبی.

۳- ينابيع المودة: ص ۴۴۸.

او را غیبتی هست، زمانی که ظهور کند زمین را از قسط و عدل پر سازد چنان که از ظلم و جور پر شده باشد».

این حدیث و نظایر آن، در کتب شیعه و سنی از شهرت و تواتر فوق العاده‌ای برخوردار است و در اغلب آنها عناوین قسط و عدل در کنار هم آمده است که یقیناً فرق‌هایی با یکدیگر دارند. مانند اینکه گفته‌اند: عدل اعم از قسط است. قسط فقط رعایت حق دیگران است و عدل رعایت حق همه چیز و همه کس؛ قسط فقط در مورد دیگران بکار می‌رود و عدل در مورد رابطه انسان با خود، با خدا و با دیگران؛ قسط ضد جور است و عدل ضد ظلم.

## ۵ - تجدید اسلام

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً؛<sup>۱</sup> هنگامی که

حضرت قائم علیه السلام قیام می‌کند مردم را مجدداً به اسلام فرامی‌خواند».

دوران پرفراز و نشیب پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و روی کار آمدن اسلام خلافت، موجبات تحریف و توجیه مبانی اسلامی و معارف دینی را فراهم کرد، و دور ماندن مردم از اهل بیت علیهم السلام که پاسداران حریم اسلام ناب محمدی بودند، خصوصاً در دوران غیبت طولانی امام زمان علیه السلام، چنان فکر و اندیشه مسلمانان را با حقایق وحی بیگانه کرد که امام صادق علیه السلام به دنبال همان فرمایش فوق می‌فرماید:

«او دوباره مردم را به اسلام دعوت می‌کند و به امری هدایت می‌کند که از میان رفته است و مردم از مسیر آن گمراه شده‌اند. همانا حضرت قائم علیه السلام

مهدی نامیده شده است به خاطر آنکه به امری گم شده هدایت می‌کند و قائم نامیده شد از آن رو که به حق قیام می‌کند.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام درباره سیره حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«آنچه را پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داد او نیز انجام می‌دهد، بنیان‌های پیشین را درهم می‌شکند، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله امر جاهلیت را درهم شکست، و او اسلام را دوباره از سر می‌گیرد.» «وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً».<sup>۲</sup>

## ۶- کمال دانش و معرفت

امام صادق علیه السلام فرمود: «علم بیست و هفت حرف است - بیست و هفت قسمت دارد - همه معارفی که پیامبران علیهم السلام آورده‌اند، دو حرف است. پس مردم تا امروز بیش از این دو حرف را شناخته‌اند.»

«فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا قَبَّيَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ؛<sup>۳</sup> پس زمانی که قائم ما قیام کنند بیست و پنج حرف دیگر را ظاهر ساخته و با آن دو حرف قبلی ضمیمه ساخته و در بین مردم منتشر گردانند.»

ابزار دانش‌اندوزی آن‌چنان گسترش می‌یابد و فراگیری معارف آن‌قدر آسان می‌شود که همگان در همه جا به زینت علم و معرفت دست می‌یابند و از دانش یکدیگر بی‌نیاز می‌شوند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ، حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِيَ فِي بَيْتِهَا بِكِتَابٍ»

۱- بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۰. ۲- مکمال المکارم: ج ۱، ص ۵۷.

۳- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۳۶، حدیث ۷۳.

الله تَعَالَى وَسُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛<sup>۱</sup> در زمان حضرت مهدی علیه السلام به دانش و حکمت دست می‌یابید تا آنجا که زن در خانه‌اش بر اساس کتاب خدای تعالی و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کند. و امیر المؤمنین علیه السلام دربارهٔ دوران پس از ظهور مهدی علیه السلام فرمود:

«يَعْدَفُ فِي قُلُوبِهِمُ الْعِلْمُ، فَلَا يَخْتِاجُ مُؤْمِنٌ إِلَى مَا عِنْدَ أَخِيهِ مِنْ عِلْمٍ؛<sup>۲</sup> دانش در دل‌های مؤمنین انداخته می‌شود، در آن زمان مؤمن، نیازی به دانش برادر ایمانی خویش پیدا نمی‌کند.»

### ۷- رشد عقلی

امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛<sup>۳</sup> آن زمان که قائم ما علیه السلام قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان گذارد و بدین وسیله عقول آنان را جمع کند و سامان بخشد و فکر و اندیشه آنان را کامل گرداند.»

حال با توجه به احادیثی که در این زمینه آمده است، نظیر:

«إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلُّهُ بِالْعَقْلِ؛<sup>۴</sup>

همه خوبی‌ها را به عقل می‌توان دریافت.»

و «دِينُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ لَا دِينَ لَهُ؛<sup>۵</sup>

دین انسان به عقل اوست و هر که عقل ندارد، دین ندارد.»

۱- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۵۲، به نقل از کتاب غیبت نعمانی.

۲- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۸۶

۳- منتخب الاثر: فصل ۷، باب ۱۲، ص ۴۸۳، به نقل از کافی.

۴- نهج الفصاحه: حدیث ۹۰۱. ۵- همان: حدیث ۱۵۸۱.

و «الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ؛<sup>۱</sup> عقل راهنمای انسان مؤمن است».

و «لَا اسْتِقَامَ دِينُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ دِينُهُ؛<sup>۲</sup>

دین شخص استقامت نیابد، مگر آنکه عقل وی استقامت یابد».

«وَلَا يُعْجِبُكُمْ إِسْلَامُ رَجُلٍ حَتَّى تَعْلَمُوا كُنْهَ عَقْلِهِ؛<sup>۳</sup>

نباید اسلام کسی شما را به شگفت آورد، مگر زمانی که کُنْه و عمق

عقل او را دریابید».

«النَّاسُ يَعْمَلُونَ الْخَيْرَاتِ وَإِنَّمَا يَعْمَلُونَ أَجْرَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ؛

قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛<sup>۴</sup> مردم کارهای شایسته می‌کنند، اما پاداش خویش را

روز قیامت به قدر عقولشان دریافت می‌دارند».

در می‌یابیم که بهترین ره‌آورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام را می‌توان در

همین ویژگی جستجو کرد. از آن رو که ریشه همه مشکلات ما - در اثر

غیبت مولا یمان دامن‌گیرمان شده - در کم‌سویی نور عقل و تیرگی آیینه

اندیشه صحیح است.

## ۸ - امنیت و آسایش

در زمان او «گوسفند و گرگ» و «گاو و شیر» و «انسان و مار» به امنیت

می‌رسند.<sup>۵</sup>

از صحف ادریس علیه السلام نقل شده:

«در زمان خروج قائم آل محمد علیه السلام امنیت به زمین بخشیده

۲ - همان: حدیث ۲۶۱۹.

۱ - نهج الفصاحه: حدیث ۱۹۶۱.

۴ - همان: حدیث ۳۱۵۵.

۳ - همان: حدیث ۲۴۶۹.

۵ - بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۶۱.

می شود، ضرر رسانیدن و ترس از یکدیگر از بین می رود. درندگان و حیوانات اهلی بین مردم زندگی می کنند و برخی از آنان برخی دیگر را آزار نمی رسانند»<sup>۱</sup>.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«تَمْشِي الْمَرْئَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَالشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْتَهَا لَا يَسْهَبُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ»<sup>۲</sup> در دولت حضرت مهدی علیه السلام زنی بین عراق و شام راه می پیماید در حالی که گامش را - از کثرت آبادانی زمین - جز بر سبزه و گیاه نمی نهد، و با اینکه زینت و زیور خویش را بر سر و چهره دارد، هیچ درنده ای به او حمله نمی کند و آن زن - در اثر اطمینان به امنیت موجود - ترسی به دل راه نمی دهد».

## ۹ - یگانگی و اتحاد و محبت

امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله می پرسد: آیا مهدی علیه السلام از بین ما خاندان محمد صلی الله علیه و آله است یا از غیر ماست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «نه! بلکه از بین ماست، خداوند دینی را به او خاتمه می بخشد چنانکه به ما آغاز فرمود و مردم به وسیله او از فتنه ها رهایی می یابند، چنانکه به وسیله ما از شرک نجات یافتند. و خداوند به وسیله او بعد از دشمنی و فتنه الفت برادرانه ایجاد می کند چنانکه به وسیله ما بعد از دشمنی شرک الفت در دین ایجاد فرمود»<sup>۳</sup>.

۲ - مکیال المکارم: ج ۱، ص ۱۰۱.

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۸۴.

۳ - بحار الانوار: ج ۵۱، حدیث ۱۳۴.

و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«وَيُؤَلَّفُ بِهِ مِنَ الْقُلُوبِ الْمُخْتَلِفَةِ؛<sup>۱</sup> و خداوند به وسیله حضرت

مهدی علیه السلام بین دلهای مخالف الفت و دوستی ایجاد می کند».

و در حدیثی دیگر فرمود:

«لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا، لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَلَا أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا

وَأَذْهَبَتِ الشُّحُنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛<sup>۲</sup> اگر قائم ما قیام نماید، آسمان

بارانش را نازل کند و زمین گیاهانش را برویاند، و کینه و دشمنی و

ستیزه جویی از دلهای بندگان برود».

### ۱۰ - تطهیر زمین از گناه

امام صادق علیه السلام در بیان حال مردم پس از ظهور مهدی علیه السلام فرمود:

«وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِي أَرْضِهِ؛<sup>۳</sup>

در زمین به نافرمانی خدا نمی پردازند».

\*\*\*

۲ - همان: ص ۱۰۱.

۱ - مکیال المکارم: ج ۱، ص ۵۲.

۳ - منتخب الاثر: ص ۴۹۷، حدیث ۲۲۸.



## پرتوی از فرمایشات نورانی قائم آل محمد علیه السلام

کلام جان‌بخش حضرت مهدی علیه السلام، که در ضمن دیدارهایی با موالیان حقیقی و شیعیان خاص، یا در توقیعات شریفه از ناحیه مقدسه آن بزرگوار صادر شده است، در همه ابعاد، الهام دهنده، راه‌گشا، تعهدبخش و حرکت‌آفرین است.

تدبّر در نمونه‌هایی از سخنان حضرت می‌تواند شیوایی و غنای معجزه‌آسای آن راه‌ما‌پشناساند و در راستای شناخت بیشتر آن امام کریم و عمل به خواسته‌های خداجویانه و ارشادات حکیمانه ایشان یاری‌گرمان باشد.

### □ معرفی خویشتن

#### یگانه مظهر الهی:

«أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»<sup>۱</sup>

من یگانه مظهر الهی و باقیمانده در زمین هستم.

#### حجّت خدا:

«أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ»<sup>۲</sup> من حجّت خداوند بر بندگان اویم.

#### پایان بخش سلسله وصایت:

«أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ»<sup>۳</sup> من آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و پایان دهنده

سلسله وصایت می‌باشم.

### قیام کننده:

«أَنَا الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»<sup>۱</sup>

من قیام کننده از خاندان پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ هستم.

### احیاگر عدالت:

«أَنَا الَّذِي أَخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ بِهَذَا السَّيْفِ قَامِلًا الْأَرْضَ عَدْلًا

وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا»<sup>۲</sup> من با این شمشیر در آخر زمان

قیام می‌کنم و زمین را از عدالت و داد آکنده می‌سازم چنانکه از

بیداد و ستم پر شده باشد.

### انتقام گیرنده:

«أَنَا بَعِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ»<sup>۳</sup> من یگانه مظهر

الهی، باقیمانده در زمین و انتقام گیرنده از دشمنان خدایم.

### مظهر و همراه حق:

«وَلْيَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا»<sup>۴</sup>

همگان بدانند که به راستی حق با ما و نزد ماست.

\*\*\*

### □ نقش خویش در حفظ و هدایت مردم

#### واسطه دفع بلاها:

«بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِي وَشِيعَتِي»<sup>۵</sup> به وسیله من، خداوند

متعال بلا و مصیبت را از اهل بیت و شیعیان من دور می‌گرداند.

۱ و ۲ - کلمة الإمام المهدي: ص ۵۲۶. ۳ - الزام الناصب: ج ۱، ص ۳۵۲.

۴ - کمال الدین: ج ۲، باب ۴۵، ص ۵۱۱.

۵ - بخار الانوار: ج ۲، ص ۳۰، حدیث ۲۵.

### سبب امنیت:

«إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»<sup>۱</sup>

همانا من موجب امنیت برای اهل زمین هستم، چنانکه ستارگان سبب امنیت اهل آسمانهایند.

### یادکرد و مراعات:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ

الْأَوَاءُ وَاضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»<sup>۲</sup> ما در مراعات حال شما کوتاهی

نمی‌کنیم و یادتان را از خاطر نمی‌بریم و اگر جز این بود بلاهای

سنگین بر شما وارد می‌شد و دشمنان، شما را نابود می‌کردند.

### مواظبت و مراقبت:

«فَأِنَّا يُحِيطُ عَلِمْنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»<sup>۳</sup> ما

به اوضاع و احوال شما آگاهیم و هیچ یک از اخبار شما بر ما

پوشیده نیست.

### بهره‌رسانی:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالسُّنْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ

الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»<sup>۴</sup> اما چگونگی بهره‌بردن از من در دوران

غیبت، مانند بهره‌وری از خورشید است زمانی که ابرها آن را از

دیدگان، پنهان ساخته باشند.

\*\*\*

۱ - بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۲ - احتجاج طبرسی: ص ۴۹۷؛ بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۳ - بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۵. ۴ - همان: ج ۵۳، ص ۱۸۱.

## □ وظیفه شیعیان

### رجوع به دین شناسان:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> اَمَا در پیشامدهای روزگار، به راویان احادیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان هستم».

### محبت ورزیدن:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا؛<sup>۲</sup> پس هر یک از شما باید به آنچه او را به مقام محبت ما نزدیک می‌کند، عمل نماید».

### دوری از گناه:

«فَلْيَدْعُوا عَنْهُمْ اتِّبَاعَ الْهَوَى؛<sup>۳</sup> همگان باید گناه و پیروی از هوای نفس را ترک کنند».

### تقوا و تسلیم:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلَّمُوا لَنَا وَرَدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا الْإِضْطَارَّ كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِضْطَارُّ؛<sup>۴</sup> تقوای الهی پیشه کنید و تسلیم ما باشید و امر دین را به ما ارجاع دهید، زیرا بر ماست که شما را سیراب از سرچشمه بیرون آوریم، همچنان که ما شما را به سرچشمه بردیم».

۲ - همان: ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۴ - همان: ج ۵۳، ص ۱۷۹.

۱ - بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۳ - همان: ج ۵۳، ص ۱۹۰.

### دعای زیاد:

«أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ قَسْرَجُكُمْ»<sup>۱</sup> برای نزدیک

شدن ظهور و فرج زیاد دعا کنید به راستی همین دعا فرج شماست.

### کسب معارف از اهل بیت علیهم السلام:

«طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ مُنْأَوِقٌ لِإِنْكَارِنَا»<sup>۲</sup>

جستجوی معارف و دانش‌ها جز از طریق ما اهل بیت علیهم السلام مساوی

با انکار ما است.

\*\*\*

### □ شرط یاری

#### اخلاص و خیرخواهی و تقوا:

۸ «إِنَّ اللَّهَ قَنَّعَنَا بِعَوَائِدِ إِحْسَانِهِ وَقَوَائِدِ امْتِنَانِهِ وَضَانَ أَنْفُسَنَا عَنْ

مُعَاوَنَةِ الْأَوْلِيَاءِ، إِلَّا عَنِ الْإِخْلَاصِ فِي النَّيَّةِ وَإِمْحَاضِ النَّصِيحَةِ

وَالْمُحَافَظَةِ عَلَى مَا هُوَ أَتَقَى وَأَبْقَى وَأَرْفَعُ ذِكْرًا»<sup>۳</sup> به یقین،

خداوند ما را به لطف و احسان مکرر خویش و به بهره‌های انعام و

کرم خود راضی و خوشنود ساخت، و ما را نیازمند یاری دوستان

قرار نداده، مگر آن یاری که از روی اخلاص در نیت و خیرخواهی

محض صورت گیرد و در آن بر آنچه به تقوای الهی و بقای نزد خدا

ورفعت جایگاه نزدیک‌تر است، محافظت شود.

۱ - کمال الدین: ج ۲، ص ۴۸۳.

۲ - المختار من کلمات الامام المهدي: ج ۲، ص ۱۳۶.

۳ - بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۷.

### اتحاد و اجتماع:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهْمُ اللَّهِ لَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا»<sup>۱</sup>

اگر شیعیان - که خدا برای اطاعت خود توفیقشان دهد - در راه وفای به پیمانی که بر عهده دارند، همدل و همراه می شدند، سعادت دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی افتاد.

### پرداخت حقوق الهی:

«إِنَّهُ مَنِ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ إِخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَخَرَجَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ مُسْتَحِقُّهُ كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُظْلَمَةِ»<sup>۲</sup>

همانا هر یک از برادران دینی تو پرهیزکار باشد و حقوق الهی را که بر عهده دارد به مستحقین آن پردازد - به برکت دعا و یاری ما - در فتنه های باطل کننده و ویرانگر، ایمن و محفوظ خواهد ماند.

### پرهیز از گناه:

«فَمَا يَحْسِنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا تُكْرَهُهُ وَلَا تُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ»<sup>۳</sup>

ما را - از دیدار و یاری شیعیانمان - باز نمی دارد، مگر آنچه از کردارهای ناپسند آنان به ما می رسد که برای ما ناخوشایند است و توقع آن را از ایشان نداریم.

\*\*\*

## □ درباره ظهور

وابستگی به اراده خدا:

«وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ»<sup>۱</sup>

اما امر ظهور فرج، بسته به اراده خداست.

ناگهانی بودن:

«فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتُهُ فَبِجَاءِ حِينٍ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ... كَذِبَ الْوَقَّاتُونَ»<sup>۲</sup> به

درستی که امر ما (ظهور) ناگهانی است، هنگامی که توبه سودی

نبخشد... و تعیین کنندگان وقت ظهور دروغگویند.

رهایی از طواغیت:

«وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيتِ فِي عُنُقِي»<sup>۳</sup>

به یقین، من در حالی قیام خواهم کرد که بیعت هیچ یک از

طاغوت‌های دوران، برگردنم نباشد.

حادثه‌ای در مکه:

«وَأَيَّةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوْثَةِ حَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعَظَّمِ، مِنْ رِجْسِ

مُنَافِقٍ مُدْمَمٍ، مُسْتَحِلٌّ لِلدَّمِ الْمُحَرَّمِ، يَعْمِدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِسْلَامِ»<sup>۴</sup>

نشانه حرکت ما از این خانه نشینی، واقعه‌ای در حرم با عظمت مکه

است، حادثه‌ای که در اثر پلیدی شخصی منافق و نکوهیده پدید

می‌آید که خونریزی را حلال می‌شمارد و با مکر و نیرنگ، قصد

جان مؤمنان می‌نماید.

۲ - احتجاج: ج ۲، ص ۴۹۷ و ۴۷۰.

۱ - کمال الدین: ص ۴۸۴.

۴ - همان: ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۳ - بخار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱.

### یاران وقت ظهور:

«قَادَا أَدْنَتْ فِي ظُهُورِي فَأَيَّدَنِي بِجُتُودِكَ وَأَجْعَلُ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِنَصْرَةِ  
دِينِكَ مُؤَيَّدِينَ وَفِي سُبُلِكَ مُجَاهِدِينَ؛<sup>۱</sup> خدایا زمانی که اجازه  
ظهور به من می دهی، مرا به لشکریان خود یاری فرما، همه کسانی را  
که برای یاری دین تو، به پیروی از من برمی خیزند تأیید کن و آنان  
را جهادگر در راه خودت قرار بده».

\*\*\*

### □ درباره اهل بیت (علیهم السلام)

#### واسطه آفرینش و رزق:

«وَأَمَّا الْأَيُّمَةُ (علیهم السلام) فَانَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ، وَيَسْأَلُونَهُ فَيَرْزُقُ  
إِجَاباً لِمَسْأَلَتِهِمْ وَإِعْظَاماً لِحَقِّهِمْ؛<sup>۲</sup> اما امامان (علیهم السلام) از خدای تعالی  
درخواست می کنند و خداوند به خاطر اجابت درخواست آنان و  
بزرگداشت حق ایشان، موجودات را می آفریند و روزی می بخشد».

#### الگو بودن حضرت زهرا (علیها السلام):

«وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) إِلَيَّ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛<sup>۳</sup>

و در دختر رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) برای من اسوه و الگویی نیکوست».

#### عزاداری امام حسین (علیه السلام):

«فَلَيْتَ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورُ، وَعَاقَبَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمُقَدُّورُ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ  
خَارَبَكَ مُحَارِباً وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعِدَاوَةَ مُنَاصِباً، فَلَأُنْدِبَنَّكَ صَبَاحاً

۱ - مهج الدعوات: ص ۳۰۲.

۲ - احتجاج: ج ۲، ص ۴۷۲.

۳ - همان: ج ۲، ص ۴۶۷.



وَمَسَاءً وَلَا بُكَيْنًا عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمِ دَمًا؛<sup>۱</sup> اگرچه روزگار مرا به  
تأخیر انداخت، و تقدیر الهی مرا از یاری تو بازداشت و نبودم تا با  
آنان که علیه تو جنگیدند بجنگم، و با کسانی که به دشمنی تو  
برخاستند بستیزم، در عوض هر صبح و شام بر تو ناله می‌کنم و به  
جای اشک در عزای تو خون از دیده می‌بارم».

## فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۱	قرآن کریم (چهار رنگ / زحلی)	نیریزی / الهی قمشه‌ای	۶۰۰۰۰
۲	قرآن کریم	نیریزی / الهی قمشه‌ای	۳۰۰۰۰
۳	کلیات مفاتیح الجنان (وزیری)	افشاری / الهی قمشه‌ای	۳۰۰۰۰
۴	کلیات مفاتیح الجنان (جیبی)	افشاری / الهی قمشه‌ای	۲۵۰۰۰
۵	کلیات مفاتیح الجنان (نیم جیبی)	افشاری / الهی قمشه‌ای	۱۵۰۰۰
۶	منتخب مفاتیح الجنان	محمد حسینی موحد	۵۰۰۰
۷	ارتباط با خدا	واحد تحقیقات	۲۰۰۰
۸	آئینه اسرار	حسین کریمی قمی	۵۰۰۰
۹	آخرین خورشید پیدا	واحد تحقیقات	۱۸۰۰
۱۰	از زلال ولایت	واحد تحقیقات	۵۲۰۰
۱۱	اعتکاف، تطهیر صحیفه اعمال	واحد تحقیقات	نایاب
۱۲	امامت، غیبت، ظهور	واحد تحقیقات	۵۰۰۰
۱۳	امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام	علم الهدی / واحد تحقیقات	۴۰۰۰
۱۴	امام رضا <small>علیه السلام</small> در رزمگاه ادیان	سهراب علوی	۴۰۰۰
۱۵	انتظار بهار باران	واحد تحقیقات	۳۰۰۰
۱۶	انتظار و انسان معاصر	عزیز الله حیدری	۴۰۰۰
۱۷	انوار پراکنده	بحرالعلوم گیلانی	نایاب
۱۸	اهمیت اذان و اقامه	محمد محمدی اشتهاردی	۳۰۰۰
۱۹	پرچمدار نینوا	محمد محمدی اشتهاردی	۸۰۰۰

۶۰۰۰۰	شیخ عباس صفایی حائری	تاریخ پیامبر اسلام ﷺ (دو جلد)	۲۰
۴۲۰۰۰	شیخ عباس صفایی حائری	تاریخ امیرالمؤمنین علیؑ (دو جلد)	۲۱
۲۸۰۰۰	شیخ عباس صفایی حائری	تاریخ سید الشهداء علیؑ	۲۲
۱۵۰۰	(فارسی) واحد تحقیقات	تاریخچه مسجد مقدس جمکران	۲۳
۲۰۰۰	(عربی) واحد تحقیقات	تاریخچه مسجد مقدس جمکران	۲۴
۱۵۰۰	(انگلیسی) واحد تحقیقات	تاریخچه مسجد مقدس جمکران	۲۵
۱۵۰۰	(اردو) واحد تحقیقات	تاریخچه مسجد مقدس جمکران	۲۶
۷۰۰۰	سید جعفر میر عظیمی	تجلیگاه صاحب الزمان علیؑ	۲۷
۵۰۰۰	حسین علی پور	جلوه های پنهانی امام عصر علیؑ	۲۸
۱۵۰۰	سید صادق سید نژاد	چهل حدیث امام مهدی در کلام امام علی	۲۹
۱۰۰۰۰	محمد محمدی اشتهاردی	حضرت مهدی فروغ تابان ولایت	۳۰
۲۵۰۰۰	عباس حسینی جوهری	خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)	۳۱
۱۶۰۰۰	محمد علی مجاهدی	خوشه های طلائی (مجموعه اشعار)	۳۲
۱۰۰۰۰	حسن ارشاد	داستانهایی از امام زمان علیؑ	۳۳
۷۵۰۰	علی مهدوی	داغ شقایق (مجموعه اشعار)	۳۴
نایاب	سید مجید پور طباطبایی	در جستجوی قائم علیؑ	۳۵
۱۶۰۰	صافی، سبحانی، کورانی	در جستجوی نور	۳۶
۳۲۰۰۰	شیخ عباس قمی / کوه کمره ای	در کربلا چه گذشت	۳۷
۲۰۰۰	زهرا قزلقاشی	دلشده در حسرت دیدار دوست	۳۸
۶۰۰۰	محمد حسن سیف اللمی	رسول ترک	۳۹
۲۰۰۰	واحد تحقیقات	زیارت ناحیه مقدسه	۴۰
۲۸۰۰۰	عباس اسماعیلی یزدی	سحاب رحمت	۴۱

۲۵۰۰	الهه بهشتی	سرود سرخ انار	۴۲
۱۵۰۰	ظهورا حیدری	سقا خود تشنه دیدار	۴۳
۱۷۰۰۰	محمد علی مجاهدی	سیمای مهدی موعود در شعر فارسی	۴۴
۱۲۰۰۰	دکتر عبد اللهی	سیمای امام مهدی در شعر عربی	۴۵
۲۵۰۰۰	سید اسد الله هاشمی شهیدی	ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۴۶
۴۰۰۰	سید صادق سید نژاد	عریضه نویسی	۴۷
۱۵۰۰	حامد حاجتی	عطر سبب	۴۸
۲۵۰۰۰	المقدس الشافعی / نظری منفرد	عقد الدرر (عربی)	۴۹
۲۰۰۰	واحد تحقیقات	علی <small>علیه السلام</small> مروارید ولایت	۵۰
۹۰۰۰	سید مجید فلسفیان	علی <small>علیه السلام</small> و پایان تاریخ	۵۱
۶۰۰۰	سید محمد واحدی	فدک ذوالفقار فاطمه <small>علیها السلام</small>	۵۲
۹۰۰۰	محمد باقر فقیه ایمانی	فوز اکبر	۵۳
۳۰۰۰	واحد تحقیقات	کرامات المهدی <small>علیه السلام</small>	۵۴
۵۰۰۰	واحد تحقیقات	کرامت های حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۵۵
۱۴۰۰۰	علی اصغر یونسیان	گردی از رهگذر دوست (شعر)	۵۶
۷۵۰۰	آیت الله صافی گلپایگانی	گفتمان مهدویت	۵۷
۲۰۰۰	حسینی اردکانی (ره)	گنجینه نور و برکت	۵۸
۸۰۰۰	علامه مجلسی (ره)	مشکاة الانوار	۵۹
۳۹۰۰	علی مؤذنی	مفرد مذکر غائب	۶۰
۵۵۰۰۰	سید محمد تقی موسوی اصفهانی (ره)	مکیال المکارم (دو جلد)	۶۱
۷۵۰۰	شیخ عباس قمی (ره)	منازل الآخرة	۶۲
۲۲۰۰۰	مجید حیدری فر	منشور نینوا	۶۳

۱۰۰۰۰	عزیز الله حیدری	مهدی <small>علیه السلام</small> تجسم امید و نجات	۶۴
۸۵۰۰	العمیدی / محبوب القلوب	مهدی منتظر در اندیشه اسلامی	۶۵
۶۰۰۰۰	علامه مجلسی / ارومیه ای	مهدی موعود <small>علیه السلام</small> (دو جلد)	۶۶
۵۰۰۰	محمد حسن شاه آبادی	مهر بیکران	۶۷
۸۰۰۰	سید مهدی حائری قزوینی	میثاق منتظران (شرح زیارت آل بس)	۶۸
۲۰۰۰	واحد تحقیقات	ناپیدا ولی با ما	۶۹
۲۰۰۰	واحد تحقیقات	ناپیدا ولی با ما (انگلیسی)	۷۰
۳۰۰۰۰	میرزا حسین توری (ره)	نجم الثاقب	۷۱
۷۰۰۰	محمد خادمی شیرازی	نشانه های ظهور او	۷۲
۵۰۰۰	مهدی علیزاده	نشانه های یار و چکامه انتظار	۷۳
۳۰۰۰	الهه بهشتی	و آن که دیرتر آمد	۷۴
۲۰۰۰	واحد تحقیقات	وظایف منتظران	۷۵
۱۲۰۰۰	سید نورالدین جزائری	ویژگیهای حضرت زینب <small>علیها السلام</small>	۷۶
۱۵۰۰	میرزا احمد آشتیانی	هدیه احمدیه (جیبی)	۷۷
۷۰۰	میرزا احمد آشتیانی	هدیه احمدیه (تیم جیبی)	۷۸
۱۱۰۰۰	محمد خادمی شیرازی	یاد مهدی <small>علیه السلام</small>	۷۹
۱۵۰۰۰	محمد حجتی	یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)	۸۰
۱۲۵۰۰۰	عباس اسماعیلی یزدی	یتایع الحکمة (عربی / پنج جلد)	۸۱

جهت تهیه و خرید کتابهای فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران

مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۰۷۲۵۳۷۰۰، ۰۷۲۵۳۳۴۰-۲۵۱

تماس حاصل فرمایید.